



جنین شناسی مُرور

انسان در حال تکوین با رویکرد بالینی



با مقدمه
دکتر محمدرضا رفیعیان
استاد دانشکده علوم پزشکی مشهد
ترجمه
دکتر رضا شهبازی
استاد علوم پزشکی مشهد
موسسه تخصصی
طوفان مشاوره
ایمنی تربیتی
سندیم مشاوره روانشناسی
ویراستار
دکتر رضا شهبازی

MBS



Embryology quran

گردآورنده: دانش پشاهادی

معروفترین پروفیسورهای جنین شناسی امریکایی که فقط بخاطر آیات جنین شناسی قرآن مسلمان شده اند

پروفیسور مارشال جانسون از دانشمندان برجسته امریکا و رئیس دپارتمان آناتومی دانشگاه جفرسون فیلادلفیا

پروفیسور کبده مور استاد دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۱۹۸۲ کتاب مور که با معارف جدید از قرآن تجدید چاپ شده بود، جایزه بهترین کتاب پزشکی را دریافت کرد.

پروفیسور تی. وی. ان پرساود استاد آناتومی و تولد نوزاد و سلامت کودک دانشگاه مانی توبا کانادا

پروفیسور جرالڈ سی جرینگر، محقق بخش جنین شناسی کالج پزشکی و بیولوژی سلولی دانشگاه جرج تون واشنگتن؛ این آیات شگفت انگیز قرآنی یک اصل مهم را اثبات میکند و آن اینکه حضرت محمد (ص) پیام های آسمانی و الهی دریافت می کرده و او فرستاده خداست.

پروفیسور سی میسون رئیس انجمن باروری امریکا: در قرآن مفاهیم علمی ای مطرح شده که قرن ها بعد علم توانست بر صحت آنها مهر تأیید زند و به اهمیت آنها پی ببرد. دین میتواند رهبر علم و دانش باشد.

خورشید برای همیشه پشت ابرها نمی ماند ...

“در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده است. سپس، آفرینش بازپسین را پدید می آورد زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست”

سپاس و ستایش لایق پروردگار قادر و توانا و آگاه به درون شکم های مادران، برای اولین بار سعی داریم مقاله ای جامع و کامل و حساب شده را در باب یکی از بزرگ ترین معجزه های قرآن کریم (جنین شناسی) را در اختیار مسلمین و محققین قرار دهیم تا بار دیگر موشکافانه و با استفاده از منابع آکادمیک و استناد به سخنان و کتب پروفیسورهایی که بخاطر اعجاز بی نظیر قرآن در حیطه ی «جنین شناسی» مسلمان شده اند، در اختیار مسلمانان و صاحب خردان و طالبین حق قرار دهیم تا خاری باشد در چشمان غضبناک ملحدین و مغرضین و معاندین و افرادی که خود را پشت ساینس (knowledge) پنهان کرده و در صدد پنهان کردن حقیقت هستند.

در این مقاله سعی بر آن شده که در حد امکان چکیده‌ای از کتاب جنین‌شناسی (لانگمن) مراحل خلقت جنین را از دید قرآن، سنت و علم مورد بررسی قرار داده و اثبات اینکه این کتاب (قرآن) بر خلاف کتب پیشین و اکثریت دانشمندان تاریخ و صاحب نظرانی که همیشه در خطا بودند، نه تنها کوچک‌ترین اشتباهی و مغایرتی در آن دیده نمی‌شود، بلکه آیات آن مطابق با جدیدترین «نظریات تجربی» است.

در مقاله‌ی مذکور سعی بر آن است که از منابع معتبر و آکادمیک استفاده کرده و از جدیدترین مصادر بهره‌گیریم تا جای کوچک‌ترین ابهامی برای خواننده‌گرمای باقی نماند، بنده به عنوان یک مسلمان محقق معتقد به معجزه‌سازی و تراشیدن بهانه‌های واهی جهت [تطبیق علوم مختلف با آیات قرآن] یا [یا تطبیق قرآن با علوم] نیستم، بر این باور نیستم خالق مهربان در کنار راهنمای زندگی بشر به مباحث زیست‌شناسی و فیزیک کوانتوم و... اشاره کرده باشد، اما عقیده دارم که هیچ خللی در برنامه‌ی پروردگار وجود ندارد و شبهه‌های علمی هم که بعضاً مطرح گردیده به عنوان تزویر برای همیشه باقی نخواهد ماند، اما خداوند متعال در کنار راهنمای بشر و داستان‌های پیامبران و احکام شریعت و سیره و اتفاقات پیامبر اشارات مختصر و کوتاهی به خلقت جهان و بشر و حیات پیرامون بشری داشته است که هیچ خطایی در آنها نیز مشاهده نمی‌شود. قرآنی که ما مسلمین بدان باور قلبی داریم هیچ شکی به آن راه ندارد (لا ریب فیه)، و این علوم بشری است که در نهایت بدون تردید به آیاتی که خالق حول خلقت جهان و بشر و حیات اشاره می‌کند مهر تایید گذاشته و در راستای کلام خالق به روال خود ادامه می‌دهد.

در قرآن کریم، خداوند متعال انسان را به تفکر و تامل و تشویق و ترغیب در خلقت جهان و آفرینش بشر کرده است، و انسان را به سفر و کنکاش فرا خوانده تا در نشانه‌های بی‌شمار خلقت خداوند متعال به تامل بپردازد، بشر با نیم‌نگاهی مختصر به سایت، کتب و مباحث در حیطه‌ی پزشکی به پیچیدگی و عظمت فوق‌العاده‌ی بدن انسان پی برده، و سرسام و متعجب از این خلقت بی‌نظیر با این نظم و هماهنگی، ساختار فیزیولوژی و بیولوژیکی تک به تک اعضای بدن، چنان بشر را به حیرت انداخته که به مغز احدی هم خطور نمی‌کرد که ممکن است بشر با چنین ساختار فوق‌العاده‌ای آفریده شده باشد، از زمانی که داروینیزم فرصتی شد که خلقت خالق را زیر سوال ببرد از این شگفتی و ساختار ظریف برای معرفی مردم جز خوی حیوانی و زندگی با تاویل و بر پایه‌ی تنازع بقا (قانون جنگل) چیزی برای مردم در رسانه‌ها در اذهان عوام از سوی آنتیست‌ها معرفی نشد. بعید میدانم شخصی با مطالعه‌ی مبتدی هم خلقت بشر در شکم مادر را تصادفی و بی‌هدف بداند و به این معجزه‌ی بی‌نظیر پروردگار پی نبرد، جز در نگاه و باور (ایدئولوژی) انسان‌های بی‌انصاف و کم‌خرد و بی‌هدف.

با بررسی اجمالی شکل‌گیری «جنین از زمان لقاح اسپرم و تخمک تا زایمان» به گوشه‌ی کوچکی از ساختار فوق‌العاده کارکرد و وظیفه‌ی اعضای بدن می‌پردازیم که چطور «اسپرم مرد» در طی آمیخته شدن با «تخمک زن» چه فرآیندی را در مدت زمان‌های معین و هدف‌دار از پیش تعیین شده با استفاده از چه معیار و ملاکی هدایت کرده و صورت می‌گیرد و در نهایت چه منطق و خردی است که چنین پردازش (processing) عملیاتی را تصادفی، کور و بی‌هدف (aimless) بداند؟ بدون شک خواننده با مطالعه‌ی مقاله به این مهم پی خواهد برد که چه طراحی (design) خارق‌العاده‌ای در پشت این خلقت نهفته و آن را اداره می‌کند.

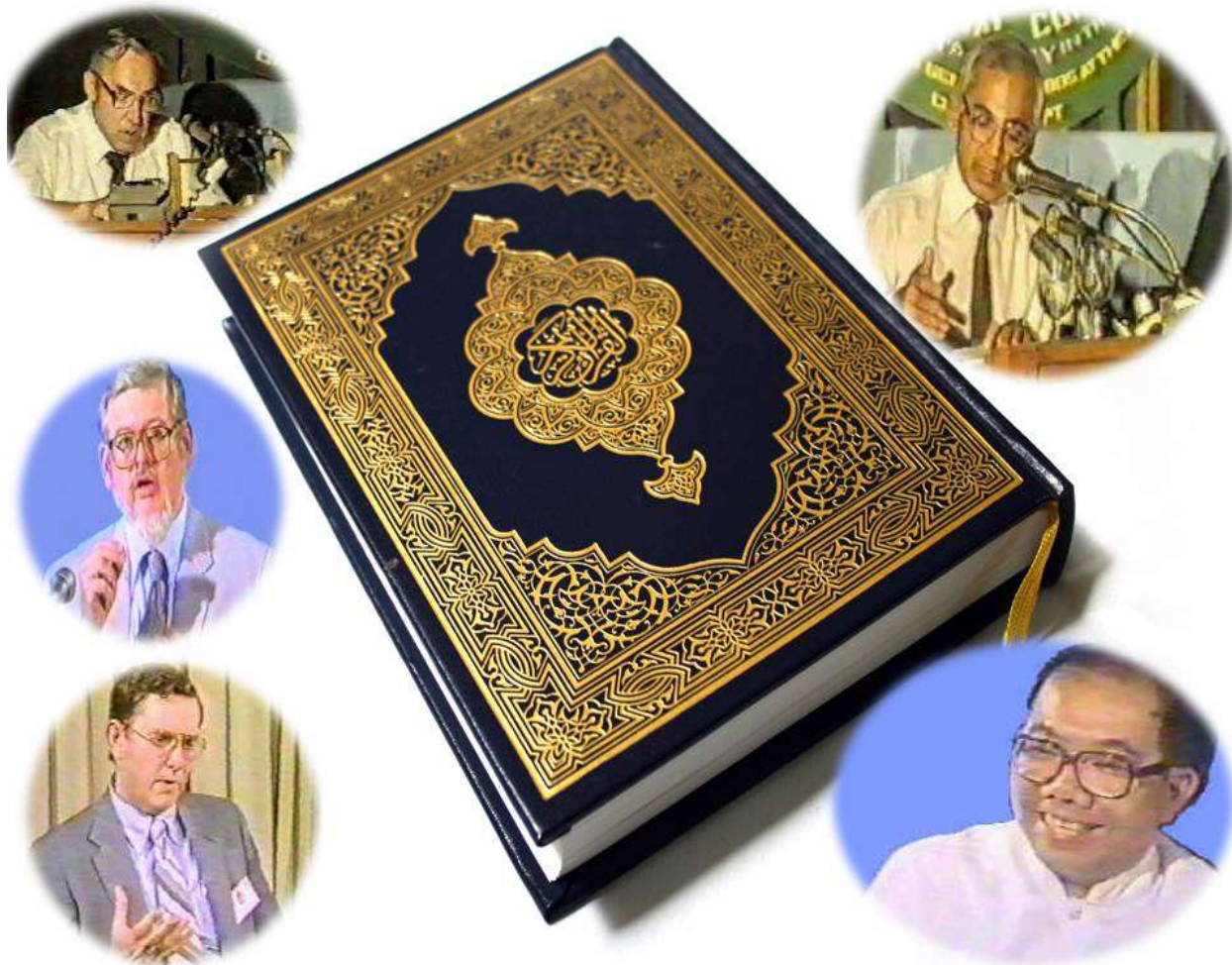
نوشتار بنده نیز شاید عاری از «اشتباه» نباشد و این خواننده‌ی محترم است که منت نهاده و این کجی‌ها را یادآور می‌شود، جهت نقد این کتابچه می‌توانید نقدهای خود را به [ایمیل^۱](mailto:aimil1@gmail.com) من ارسال کنید.

تمام تلاش بر این بوده که این نوشتار منطبق بر آیات و احادیث رسول اکرم بدور از تعصب و وجهه‌ی [دگماتیسمی] باشد و قلم در راستای سازگاری بین [ساینس و علوم نقلی] مسلمانان به رشته‌ی تحریر درآید، امید است این مقاله (article) نیز گامی کوچک در راستای تلنگر بر محققین و پژوهشگرانی مخلص و طالب علم باشد تا در این حوزه نیز بیشتر از قبل جوهر بر کاغذ ریخته، و از توان خود نهایت بهره را بکار گیرند و در آخر به خروجی (result) مناسبی جهت استفاده‌ی مسلمین و محققین گام بردارند. در کتابچه علاوه بر توضیحات کافی و مفید مراحل جنین‌شناسی، به شبهاتی که برخی جاهلین و مغرضین (atheists) و صد البته معاندین بیسواد در شبکه‌های اجتماعی که بعضاً در سایت‌ها دیده شده، پاسخ داده‌ام.

از محکم‌ترین مباحثی که در قرآن بدان می‌بالیم و مفتخریم اشاره‌ی جالب به مراحل خلقت جنین است که باعث شگفتی افرادی شده که آنان را وادار به نوشتن و دفاع از این آیات مبارک نموده و باعث دگرگون شدن و تحقیقات کامل و ریز من باب این مهم شده، ما نیز بنابر وظیفه‌ی مسلمانی تاویل برخی از این دانشمندان را خدمت طالبین حق قرار دهیم تا بار دیگر حقانیت قرآن ما بیش از پیش ثابت گردد. بنابر قاعده‌ی {فاسئلو اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون} ترجمه: «از آنان که می‌دانند (اهل علم) و تخصص دارند بپرسید»، لازم است به مصادر و منابعی رجوع کرده که با علوم نقلی، عقلی و منطقی و نیز علوم تجربی هماهنگ (match) شده و بدور از تعصب و تفسیر به رای، به تحلیل، تجزیه و تاویل (هرمنوتیک) منطقی و آن پردازیم.

آیات سوره‌ی مبارکه‌ی مومنون با قرات زیبا را می‌توانید در این [لینک](#) ببینید.

تاکنون تفسیر و برداشت‌های مختلفی در این باب توسط مفسرین صورت گرفته، ما نیز با بهره‌گیری از نظرات دانشمندانی همچون (کیدمور، مارشال جانسون، موریس بوکای، تی وی ان پرساد، جرالده سی جورینگر، سی مپسون، تجانت تجاسن) و از چندین متخصص ایرانی و داعی مسلمان بهره گرفته، و از مفسرین قرآن همراه با جدیدترین کتب جنین‌شناسی (لانگمن) بهره جستیم و تاویل آنان را در کتابچه آوردیم و بر این باور بودیم که چنین برداشتی بهترین، نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین تعریف تشکیل انسان از جنین‌شناسی قرآن (embryology quran) می‌باشد و خدا داناتر است...



دکتر کیدمور

دکتر کیدمور (keith moore) از اساتید برجسته‌ی دانشکده‌ی آناتومی (کالبدشناسی) و بیولوژی سلولی دانشگاه تورنتوی کانادا و مولف چندین کتاب دانشگاهی است، مولف دو کتاب آناتومی با محوریت بالینی (clinically oriented anatomy rd edition) و نیز انسان در حال رشد (the developing human ۳ th edition)، دکتر مور رئیس پیشین انجمن کالبدشناسی و نیز رئیس انجمن آناتومی بالینی آمریکا می‌باشد که از طرف انجمن آناتومی مخترع به دریافت جایزه‌ی معتبر J.C.B. گردید. و در سال ۱۹۹۴ به عضویت افتخاری این انجمن نایل آمد. از متخصصین حوزه‌ی کالبدشکافی و صاحب تالیفات فراوان در کتاب جنین‌شناسی به نام "قبل از آنکه ما زاده شویم" به مباحثی پرداخت در قسمت تاریخچه که بعد از تحقیق و پژوهش فراوان روی قرآن بدان رسید و بطور معجزه‌آسایی یافته‌های خویش را

مطابق با قرآن یافت و در کتاب تکامل انسان آن را ذکر کرد و در چاپ سوم آن را با نام (the developing human keithe moor) چاپ، و آن را تحت عنوان «الانسان النامی مع زیادات اسلامیة» به زبان عربی به چاپ رساند.^۱

دکتر مور در هشتمین کنفرانس پزشکی ۱۸۹۱ در عربستان گفت: «جای بسی خوشحالی است که بتوانم سهمی در روشن ساختن آیات قرآن در مورد تکامل انسان داشته باشم، برای من کاملا روشن است که این گفته ها از جانب خداوند برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرستاده شده است زیرا تقریبا تمامی این علوم تا قرن ها بعد کشف نشده بود و برای من قطعی است که حضرت محمد پیامبر خداست».^۲

<https://www.aparat.com/v/1VLlz>

<https://www.aparat.com/v/m9YID>

پروفسور تی وی ان پرساد

پروفسور t.v.n persad، پروفسور برجسته‌ی آناتومی و تولد نوزاد و سلامت کودک دانشگاه مانی توبای کانادا، ایشان نویسنده‌ی بیش از ۲۰ کتاب و ۱۸۱ مقاله‌ی علمی است و کتاب مشترکی نیز با دکتر مور درباره‌ی جنین‌شناسی نوشته که در دانشگاه تدریس می‌شود و در سایت آمازون^۳ نیز کتاب موجود است، ایشان نیز در سال ۱۹۹۱ مفتخر به دریافت جایزه‌ی j.c.b گردید. او نیز در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گوید: «به نظر من حضرت محمد یک شخص امی بود که نه می‌توانست بخواند، و نه بنویسد وی در ۱۴۰۰ سال پیش نظریات علمی عمق داری را مطرح می‌کند که بعدا بطور شگفت‌انگیزی همه‌ی آنها مورد تایید علوم تجربی قرار می‌گیرد او می‌گوید شخصا نمی‌توانم بگویم که این تصادف و شانس محض بوده زیرا تعداد مفاهیم و موضوعات علمی مطرح شده در قرآن زیاد است و همانطور که دکتر کیدمور اشاره می‌کند من اعتراف می‌کنم که این مفاهیم ریشه در یک وحی الهی دارد و نمی‌تواند از منبعی غیر از وحی سرچشمه گرفته باشد».

<https://m.aparat.com/v/IGqJ5>

پروفسور موریس بوکای

پروفسور موریس بوکای رئیس کلینیک جراحی دانشگاه پاریس، نویسنده‌ی کتاب «انجیل قرآن و علم» که یکی از پر فروش ترین کتاب سال ۱۹۷۶ گردید، دارای جایزه‌ی تاریخ از آکادمی فرانسه و جایزه در ارتباط با آکادمی پزشکی ملی فرانسه، کتاب دیگر وی به نام «منشا بشر کیست؟» و «موسی فرعون و یهودیان در مصر» و «تاملی بر قرآن». بوکای

^۱. قرآن کتاب شگفت‌انگیز، گری میلر، پیام جاویدان سال سوم ۱۳۸۴، شماره ۹، ص ۱۱۶-۱۱۷

^۲. فصلنامه پیام جاویدان شماره ۹، ص ۱۱۷

^۳. https://www.amazon.com/Keith-L.-Moore/e/B001H6UDTE/ref=sr_ntt_srch_lnk?qid=۱۴۵۳۲۰۷۶۴۰&sr=۱-۱

بعد از ۱۰ سال تحقیق روی قرآن در مجمع پزشکی فرانسه اظهار داشت: «در قرآن موضوعات علمی در ارتباط با تولید مثل و فناوری فیزیولوژی وجود دارد که کاملاً با دستاوردهای کنونی علم مطابقت دارند» و نیز علم از اصول قرآنی تا این اندازه است که باید اعتراف کنیم: [این مسائل پیچیده علمی که پس از ۱۴۰۰ سال، علم به تازگی به حقیقت آنها پی برده است نمی‌تواند توسط یک شخص امی و درس ناخوانده مطرح شده باشد و تنها باید اعتراف کرد که آن (حضرت محمد) به منبع مافوق بشری متصل بوده و این غیر ممکن است که یک شخص درس نخوانده کتابی را تالیف کند که از لحاظ ادبی سرآمد کتب دیگر «ادبای عرب» باشد و از لحاظ علمی هنوز پس از ۱۴ قرن منبع زایش علوم جدید باشد].

<https://m.aparat.com/v/KJWmb>

پروفسور مارشال جانسون

مارشال جانسون یکی از دانشمندان برجسته‌ی آمریکا و رئیس دپارتمان آناتومی و مدیر انستیتو Daniel دانشگاه توماس جفرسون فیلادلفیا است. وی دارای مدرک معتبر و تحصیل کرده‌ی دانشگاه‌های بروکلی و پنسیلوانیا و همچنین مدیر موسسه دانیل باوک و نیز رئیس انجمن زمین‌شناسی می‌باشد. وی درباره‌ی آیات جنین‌شناسی می‌گوید: «توصیف مراحل جنینی در قرآن نمی‌تواند اتفاقی و تصادفی باشد احتمال دارد حضرت محمد یک میکروسکوپ خیلی قوی داشته باشد ولی قرآن مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش است». در حالی که میکروسکوپ قرن‌ها بعد از محمد نبی اختراع شده است پروفسور جانسون با لبخند اظهار داشت: «اولین میکروسکوپ اختراع شده قادر نبود بیش از ۱۰ برابر بزرگنمایی کند و تصویر آن هم واضح نبود، من هیچ ضدیت و مغایرتی با این حقیقت که واسطه‌ی الهی در بیانات حضرت محمد در کار است نمی‌بینم.»^۱

<https://m.aparat.com/v/gZJ۱>

<https://www.aparat.com/v/oz۸۹m>

پروفسور جرال. سی جرینگر

پروفسور Gerald c.groeringer محقق بخش جنین‌شناسی کالج بیولوژی سلولی دانشگاه جرج تون واشنگتن در آمریکا می‌باشد که تحت تاثیر آیات جنین‌شناسی قرار گرفت و مسلمان شد، او در کنفرانس پزشکی ضمن مقاله‌ی تحقیقی اظهار داشت: «چندین آیه در قرآن وجود دارد که به طور جامع به توصیف رشد انسان از مرحله‌ی آغازین آن یعنی هنگامی که به صورت تخمک در تخمدان‌های بدن قرار دارد پرداخته است، این آیات شگفت‌انگیز قرآنی یک اصل مهم را اثبات می‌کند و آن اینکه حضرت محمد پیام‌های آسمانی را دریافت می‌کرده است و او فرستاده خداست».

<https://www.aparat.com/v/۹۵۲aE>

پروفسور سی مپسون

پروفسور **simpson** رئیس دانشگاه مامایی زنان دانشکده پزشکی بایلور هاتسون در ایالت تگزاس آمریکا، و رئیس انجمن باروری آمریکا است که تاکنون موفق به کسب جایزه‌های متعدد من جمله جایزه‌ی ویژه‌ی اساتید مامایی و بیماری زنان در سال ۱۹۹۲ است، ایشان نیز بعد تحقیق و پژوهش فراوان در قرآن، اسلام آورد و در این باره می‌گوید: «نه تنها بین علم ژنتیک و اسلام تضادی وجود ندارد بلکه دین اسلام خدمات ارزنده‌ای را به شاخه‌های سنتی این دانش ارائه کرده است». در قرآن مفاهیم علمی مطرح شده که قرن‌ها بعد علم توانست بر آنها مهر تایید بزند و به اهمیت آنها پی ببرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرچشمه‌ی مفاهیم مطرح شده توسط حضرت محمد از جانب خداوند است.

<https://www.youtube.com/watch?v=YMLdm5.kYck>

پروفسور تجاتت تجاسن

پروفسور **tejjat tejason** رئیس بخش آناتومی و رئیس سابق دانشکده دانشگاه چیانگ ما در تایلند، که بعد تحقیق در مورد اسلام بعد ۳ سال به دین اسلام مشرف شد و بیان داشت که: «هر آنچه در ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن آمده کاملاً درست و بر پایه و اساس علمی است و علم می‌تواند به مرور زمان یکایک آنها را به اثبات برساند. از آنجا که پیامبر نه می‌توانست بخواند و نه بنویسد باید در یک حالت استثنائی و روحانی این مفاهیم را از آفریننده دانا دریافت کرده باشد» و این آفریننده دانا و توانا کسی جز خداوند متعال نیست و اکنون زمان آن فرا رسیده که بگویم ((اشهد ان لا اله الا الله وان محمد رسول الله)).

<https://www.aparat.com/v/rWTbO>

علاوه بر دانشمندان بالا که به طور کامل و یقینی، اتمام حجتی است که هر وجدان خوابی را بیدار می کند، و لرزه بر تن سست شبهه افکنانی است که شبهات کودکانه‌ای را برای (دکتر کیدمور و موریس بوکای) ساخته و طراحی کرده بودند چشم پوشی کنیم.

اما واقعیت و حقیقت امر این است، دانشمندی که در این باب اظهار نظر کرده‌اند و آیات قرآن را مطابق با علوم جدید (جنین شناسی) دانسته، آنقدر زیاد هستند که دیگر مجال هیچ سخنی را به شبهه افکنان نخواهد داد (همانطور که اسامی آنان ذکر شد)، همچنین در این راستا «کالج همپشایر آمریکا» نیز، تحقیقی مفصل راجع به موضوع جنین شناسی کرده، که این تیم متشکل از محققین، زیست‌شناسان، اساتید مطالعات عربی و اسلامی که در دانشگاه‌های کالیفرنیا و برکلی و کلمبیا و اسمیت درس خوانده و تدریس کرده‌اند است. و آنها نیز این معجزه‌ی قرآن (جنین شناسی) را با مطابق با جدیدترین علوم پزشکی روز دانسته و مهر تایید بر آن گذاشته‌اند، و آن‌ها (کالج همپشایر) این اشاره‌ی قرآن به جنین مبثی (embryology) آن هم بدون هیچ تضاد و اشتباهی غیر طبیعی می‌خوانند. که در لینک زیر نیز می‌توانید مراحل جنین شناسی علم روز که در تطابق با آیات قرآن است را مشاهده بفرمایید.

<https://sites.hampshire.edu/scienceandislamvideoportal/about/>

<https://www.aparat.com/v/UKb2I>

و پاپ مد (زیست فناوری آمریکا) نیز، که از مهم‌ترین سایت‌های حوزه‌ی پزشکی و زیست‌شناسی جهان است در این راستا اشاره‌ی قرآن به مراحل جنین شناسی را معجزه خوانده، و در این سایت ذکر می‌کند: «با این وجود دانشمندان و محققان اعم از مسلمان و غیر مسلمان خبر نداشتند که قرآن کریم و روایات پیامبر، تشریح مفصلی از وقایع مهم در رشد انسان از مراحل سلول‌های جنسی بالغ و بارداری تا دوره‌ی کامل حاملگی و وضع حمل و حتی پس از تولد را ارائه داده است». چه کسی این اطلاعات را در اختیار محمد قرار می‌داد الا خود خالق؟

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC۲۰۶۸۷۹۱/>

«جنین شناسی قرآن و تطابق آن با ساینس» و توضیحات کامل و زیبایی دکتر عبدالواحد داعی نامی و باسواد کرد، در کردستان (عراق)، را نیز می‌توانید در این لینک‌ها دانلود، و مشاهده بفرمایید.

The image is a composite graphic illustrating the stages of human development. At the top right, a chemical structure of an amino acid is shown: $\text{H}_3\text{N}^+ - \text{C} - \text{H}$, with a COO^- group above the central carbon and an H atom below it. Below this, a blue zygote is shown with yellow arrows pointing to it from the text below. The text, written in Arabic, describes the process: "و لقد خلقنا الإنسان من سلالةٍ من طين ۝ ثم جعلناه نطفةً في قرار مكين ۝ ثم خلقنا النطفة علقةً فخلقنا العلقة مضطفةً فخلقنا المضطفة عظاماً فكسونا العظام لحمًا ثم أنشأنا خلقاً آخر فمناراً الله الخالقين ۝ 1". Below the text are two rows of four images each, showing the progression from a zygote to a fetus. Yellow arrows connect the text to the corresponding images in both rows.

تاریخچه‌ی کوتاه جنین شناسی

{فلینظر الانسان مم خلق} ۱ ترجمه: انسان باید بنگرد و دقت کند که از چه چیز خلق شده است

در زمان مصریان اعتقاد بر این بود که خدای خورشید بذر در زنان و تخم در مردان و انتقال دهنده روح در نوزاد از طریق جفت است. در هند باستان نیز باور به این بود که جنین از خون و مایع منی حیات می‌یابد. در یونان باستان نیز در نظریات بنیان‌گذار علم جنین‌شناسی ارسطو آمده که جنین را حاصل لخته شدن خون حیض می‌دانست. در کتاب تورات نیز از جفت به عنوان روح و جان خارجی یاد شده و در جای دیگری نیز آمده که جفت توسط رشته‌ی زندگی (احتمالا بند ناف) بسته شده است.

در قرن یازدهم کونستانت تشکیل و تکامل مداوم جنین را در ارتباط با سیارات و ماه‌های آبستنی توصیف کرد. مور و پرساد می‌گویند: «این توصیف گواهی بر ناشناخته بودن جنین‌شناسی و مسائل مربوط به آن در نزد پیشینیان است».^۲ در قرن پانزدهم لئوناردو داوینچی رحم باردار جدا شده و پرده‌های جنینی همراه آن را به تصویر کشید و در قرن هفدهم ویلیام هاروی پزشک معروف انگلیسی معتقد بود که وقتی اسپرم وارد رحم می‌شود به ماده‌ای شبیه به تخم مرغ تبدیل می‌گردد، او اولین کسی بود که به مطالعه‌ی جنین‌ها و گونه‌های حیوانات پرداخت.^۳

تا اینکه در قرن هفدهم اولین میکروسکوپ‌ها ساخته شدند و اسپرم قابل تشخیص بود اما باز هم نتوانستند به وظیفه‌ی اسپرم در لقاح پی ببرند و همچنان نقش تخمک و اسپرماتوزوئید مورد بحث بود، دانشمندان تا این زمان نمی‌دانستند که جنین ممکن است حاصل دخالت اسپرم و تخمک باشد و بر این خیال بودند که اسپرم مرد حاوی یک انسان کوچک مینیاتوری است که از قبل تشکیل شده و پس از ورود به دستگاه تناسلی مادر و جایگزینی در رحم رشد کرده و بزرگ می‌شود. به مرور در قرن هجدهم با مشاهدات کامل‌تر بعضی از قسمت‌های رویان از بافت‌های رویانی در حال تکامل نظریه پیش‌تشکیلی را رد کرد و «تئوری لایه‌ای» را پیشنهاد نمود که بر اساس آن تقسیمات زیگوت (تخمک بارور شده به وسیله‌ی اسپرم) منجر به ایجاد لایه‌هایی از سلول‌ها می‌شوند که از آن رویان به وجود می‌آید. در سال ۱۷۷۵ دانشمند ایتالیایی سپالانزانی و در سال ۱۷۸۳ فان بند و در سال ۱۷۷۵ پندر به فرمایش الله متعال و نبی اکرم رسیدند.

**دخالت زن و مرد در خلقت جنین**

برخی از متوهمین (ژئوس و دکتر سها و دیگر اساتید ملحدین) بر این باور بودند که در اسلام زن هیچ نقشی در تولید و خلقت انسان ندارد، اما خداوند متعال به صراحت در قرآن کریم می‌فرماید: {انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج...}؛^۴

۱. سوره ی طارق، آیه ی ۵

۲. constantinus africanus of salerno و جنین شناسی کاربردی انسان مور پرساد، دانشگاه مشهد، ۱۳۸۴ ص ۲۳-۲۴

۳. تورات، انجیل قرآن و علم، موریس بوکای ص ۲۷۷

۴. سوره ی انسان آیه ی ۲

ترجمه: «ما نوزاد را از نطفه‌ی آمیخته [تخمک مادر و اسپرم پدر] آفریدیم». که نظر اکثریت قریب به اتفاق علما و مفسرین قرآن در طول تاریخ بر این رای بوده که مراد دو جنس (اسپرم مرد و تخمک زن) می‌باشد.^۱

علاوه بر این در حدیث صحیحی از نبی اکرم صلی الله علیه و آل وسلم نقل شده است، که می‌فرماید: { یخلق الانسان من نطفه الرجل و من نطفه المرثه } . ترجمه: «انسان از نطفه‌ی مرد و نطفه‌ی زن آفریده می‌شود».^۲

و همچنین ابن کثیر نقل می‌کند که پیامبر در پاسخ پیرزن یهودی که از خلقت انسان سوال می‌کند، پیامبر پاسخ می‌دهد: «انسان از ترکیب زن و مرد درست می‌شود».^۳ و در سخنان امام علی همین سخن را در منابع اهل تشیع می‌بینیم.^۴ که همگی مهر ابطال بر سخنان متوهمینی است که جز مقاله‌های فیک اندکی علوم اسلامی را مطالعه نکردند

جالب تر آن است که ابن حجر نیز نقل می‌کند که: «برخی گمان می‌کردند که منی جز در عقد نطفه اثری ندارد و جنین در اثر تکان خوردن خون حیض بدست تشکیل می‌شود، او می‌گوید: «احادیثی که در این رابطه وجود دارد این عقاید را رد می‌کند»، قابل توجهی آتئیست‌ها کشف دخالت دانستن اسپرم و تخمک زن در نقش جنین در سال ۱۸۷۵ صورت گرفت.^۵

در قرن هجدهم پندر موفق به کشف سه لایه زایای رویانی شد و آنها را پاستودرم نامید، در قرن نوزدهم در سال ۱۸۲۸ بعد از کشف اسپرم کارل فون بیر، تقسیمات تخم را در لوله رحم و همچنین پلاستوسیست ها را هم مشاهده کرد، برخی او را پدر رویان شناسی مدرن می‌نامند، در سال ۱۸۳۹ نیز اشلایدن و شوان با بیان تئوری سلولی پیشرفت های بزرگی در زمینه‌ی رویان‌شناسی ایجاد کردند، در سال ۱۸۶۵ گرگورمندل کشیش اتریشی اصول وراثت را بیان کرد، در سال ۱۸۷۸ فلمینگ توانست کروموزوم ها را مشاهده نماید، در سال ۱۹۰۲ سوتون و اسپمان اعلام کردند که رفتار کروموزوم ها حین تشکیل سلول‌های جنسی و همچنین لقاح بر اصول وراثت مندل است.

در قرن بیستم اسپمان به دلیل کشف پدیده القا اولیه در سال ۱۹۳۵ موفق به دریافت جایزه نوبل شد، اردوارد و استپتو با ارائه تکنیک (ift) انقلاب شگرفی در تاریخ تولید مثل انسان به وجود آوردند، در سال ۱۹۰۲ گارود عارضه را به عنوان نخستین مثال برای وراثت مندلی در انسان گزارش دادند، برخی نیز گارود را پدر ژنتیک پزشکی می‌دانند. در سال ۱۹۹۷ اولین پستاندار که گوسفندی بنام دالی بود با استفاده از روش همانند سازی توسط ویلموت و همکارانش را که طی آن از انتقال هسته سلول سوماتیک استفاده شد به وجود آمد.

در این قرن بود که جنین‌شناسان دریافتند که نطفه‌ی مرد با یکی از دو نوع آن با کروموزوم (X) یا با کروموزوم (Y) تعیین کننده‌ی جنسیت جنین است، و نر یا ماده بودن در «نطفه‌ی مرد» مقرر است نه در تخمک زن. به زبانی ساده‌تر این نطفه‌ی مرد است، که تعیین کننده‌ی جنسیت جنین است چون دارای کروموزوم XX و یا XY است و هر کدام از این‌ها را دارد و کروموزوم زن فقط XX دارد و نقشی در انتخاب جنسیت جنین ندارد. و در نهایت در اوایل قرن بیستم بعد از

^۱ . الوجیز فی علم الاجنه القرآنی. ص ۲۰ الدار السعودیه

^۲ . مسند احمد ابن حنبل جلد ۱، ص ۴۶۵

^۳ . ابن کثیر، جلد ۵، ص ۴۰۸، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، المکتبه العصریه

^۴ . بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق

^۵ . عسقلانی، تهذیب التهذیب، جلد ۱۱، الهند مطبعه دایره المعارف النظامیه

کشف میکروسکوپ الکترونی دانشمندان جنین شناسی به یکی دیگر از آیات قرآن رسیده و بر آن مهر تایید گذاشتند که با صراحت بیان می‌دارد.

و مهر تصدیق دیگر و اشاره‌ی جالب توجه این موضوع در کلام خداوند متعال آشکار می‌شود که می‌فرماید: ﴿و انه خلق الزوجین الذکر و الانثی من نطفه اذا تمنی﴾^۱ ترجمه: «و اینکه اوست که جفت های نر و ماده را می‌آفریند و از نطفه ناچیزی بدان گاه که [به رحم] جهانده می‌شود». که اشاره‌ی جالب و قابل توجه به این که، این نطفه‌ی (مرد) است که تعیین کننده‌ی خلقت «دختر یا پسر بودن جنین» بوده و نقش ایفا می‌کند.

علت تعیین جنسیت جنین توسط مرد نیز در آیه ۳۹ سورة القیامه بیان شده، قرآن کریم در این آیه می‌فرماید: ﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ ترجمه: «سپس از او دو جنس نر و ماده قرارداد». همانگونه که در آیه مذکور مشاهده میشود، زیرا ضمیر متصل «ه» در کلمه‌ی «منه» باید به منی برگردد؛ زیرا در زبان عربی «ه» ضمیر متصل برای اسم مذکر است و باید به اسم مذکر برگردد. از بین دو کلمه «منی و علقه» که در آیات قبل آمده، فقط کلمه‌ی «منی» مذکر است که متعلق به مرد منی است با این حساب از نظر قرآن جنسیت جنین از طریق منی که متعلق به مرد است تعیین می‌گردد.

امشاج

{اَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ} ۲ ترجمه: «ما انسان را از نطفه‌ی تشکیل شده از آمیخته‌ها آفریدیم»

تفسیر اول: تفاسیر مختلف و متعدد طبری، مراغی، طبرسی، منتخب و انوار و نور و... به این نکته اشاره کرده‌اند و جای هیچ تردیدی را باقی نگذاشته که در اینجا امشاج جمع مشیج و مشج به معنای [آمیخته و مختلط] است.^۲ مواد ترکیبی از مواد و عناصر مختلف، یا آمیزه‌ای از (اسپرماتوزوئید و اوول) است.^۴ که امشاج همان اشاره به اسپرم و تخمک زنان دارد (اسپرماتوزوئید و اوول) آمیزه‌ای از این دو که به تشکیل جنین توسط دو جنس اشاره دارد والله اعلم.^۵

تفسیر دوم: برخی از معاصرین نیز گفته‌اند که امشاج می‌تواند به نطفه‌ی مرد نیز اشاره داشته باشد چرا که خود منی مرد از یک سری مواد ترکیبی که در قسمت‌های مختلف بدن قرار دارد و جمع این موارد می‌تواند آمیخته‌ای باشد که در نهایت نطفه‌ی مرد را شامل شده. که شامل ۱- بیضه‌های (ترشح غده‌ی تناسلی مرد حاوی اسپرماتوزوئید) ۲- ترشحات اپیدیدم‌ها ۳- ترشحات کیسه‌ای منی ۴- ترشحات پروستات ۵- ترشحات غدد پیازی و همچنین غدد ملحق به مجاری ادراری (غدد کوپر و مری) مترشح مایع سیال و غدد لیتره که ماده‌ای مخاطی ترشح می‌کنند و غدد فوق کلیوی و آنزیم‌ها و یونها و سدیم و کلسیم و ...

از سیاق آیه بنظر میرسد به واضح بحث از ترکیب دو چیز (اسپرم مرد و اوول زن) است و چون بحث خلقت "انسان" می‌باشد بنظر می‌رسد که تاویل دوم زیاد مناسب بنظر نرسد گرچه در هر صورت این کلام خالق است که بر آن مهر تایید زده می‌شود و منطبق با هر دو تفسیر می‌باشد

۱. سوره ی نجم، آیات ۴۵-۴۶

۲. سوره ی انسان، آیه ی ۲

۳. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر

۴. تفسیر نور، دکتر مصطفی خرمدل

۵. الوجیز فی علم الاجنه القرآنی. الدار السعودیه

بخش اول: آفرینش قبل از جنین

خداوند متعال در سوره ی قیامت می فرماید: {الم یک نطفه من منی یمنی} ۱

«آیا او نطفه‌ی ناچیزی از منی نبود که [به رحم مادر] جهاننده شد؟». در این آیه به صراحت الله متعال انسان را از چکیده‌ی کمی (قطره‌ی کمی) از آب منی معرفی می‌کند. نطفه در لغات به معنای (کمی از آب، معادل قطره و چکه)، چنانچه در لسان العرب آمده: {النطفه من الماء} ۲.

بنابراین چکه‌ای از آب منی مرد است که جنین از آن ساخته می‌شود نه همه‌ی آن. یعنی جنین فقط حاصل قطره‌ای از منی است، نه آن طور که مغرضین از این آیه هم برداشت اشتباهی کرده بودند و معتقد بودند مراد قرآن همه‌ی منی است. اما تنها یک اسپرم آن آب موفق به لقاح شده و این یک اشتباه فاحش و آشکار قرآن می‌باشد.

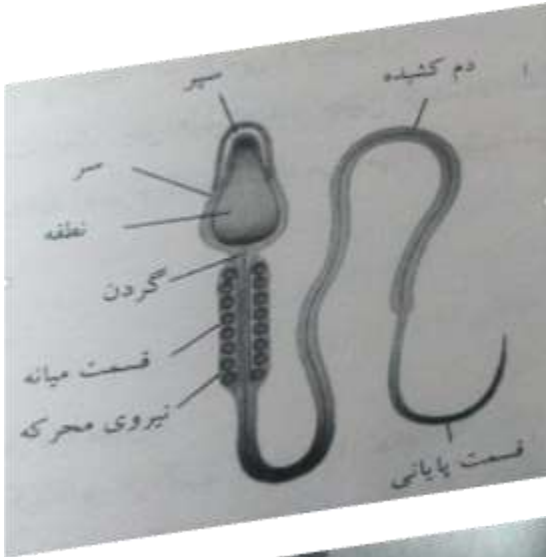
جهت تحکیم بیشتر و اطمینان خاطر نیز حدیث صحیح دیگری را یادآور می‌شویم. در روایت صحیحی که از نبی اکرم نقل شده آمده: {ما من کل الماء الولد} ۳ ترجمه: «نوزاد از همه‌ی آب منی نیست».

سالله: {ثم جعل نسله من سالله من ماء مهین} ۴ ترجمه: «آنگاه نسل وی را از چکیده‌ای از آب منی قرار دادیم». و در این آیه نیز باز هم خداوند متعال بشر را از «قطره‌ی کمی از آب منی» معرفی کرده و در زیر کامل به این معجزه اشاراتی خواهیم داشت. واژه سالله از کلمه‌ی سل که دارای معانی مختلفی می‌باشد گرفته شده است.

۱. ماهی کوچک کشیده شده
۲. گرفتن و بیرون شدن به چیزی که بر وفق و راحتی است^۵
۳. خارج شدن از تنگه
۴. سیر سریع و سبقت^۶
۵. خروج از انبوه و ازدحام
۶. آب کم (چکه)
۷. برگزیده: {ساله من طین} (برگزیده‌ای از زمین)^۷

۱. سوره ی قیامت، آیه ی ۳۷
 ۲. لسان العرب، ابن منظور، ماده نطفه، ج ۱۴، ص ۱۸۷
 ۳. صحیح مسلم، حدیث ۱۸
 ۴. سوره ی سجده، آیه ی ۸
 ۵. قاموس محیط، مجدالدین محمد، ص ۱۳۱۲، تارج العروس، ج ۱۴، ص ۳۴۹
 ۶. معجم مقانیس للغة ابن فارس، ج ۳، ص ۳۳۸-۳۴۰
 ۷. مفردات راغب، ص ۲۴۳

سلاله (ماهی کوچک کشیده)



انتخاب این واژه با این معنی کاملاً مناسب با اسپرم است که بسان «ماهی کوچک» کشیده شده است و از وقتی که میکروسکوپ ساخته شد می‌توان آنرا همچون تصویر فوق مشاهده کرد. که از سه قسمت «پیشین، میانی و قسمت پایانی (دم)» تشکیل شده است.

سلاله (بیرون شدن به رفق و راحتی)



{افرایتم ما تمنون} ۱ ترجمه: «آیا هیچ دربارهی نطفه‌ای که (به رحم همسران) جهانیده نگریسته و دقت کرده‌اید؟» از وقتی که بشر موفق به اختراع میکروسکوپ شده، توانایی دیدن اینکه چگونه همه اسپرم‌ها همگی با هوشمندی همراه هم (با رفق) بسوی یک جهت، سلسله وار در حرکت هستند، آنها با سرعتی جهشی در آب منی شنا می‌کنند و از «قنات گردنه رحم» می‌گذرند، جالب این که مسیر عبور آنها پوشیده از ماده لزجی است که عبور آنها را بسیار سریع و آسان می‌گرداند.

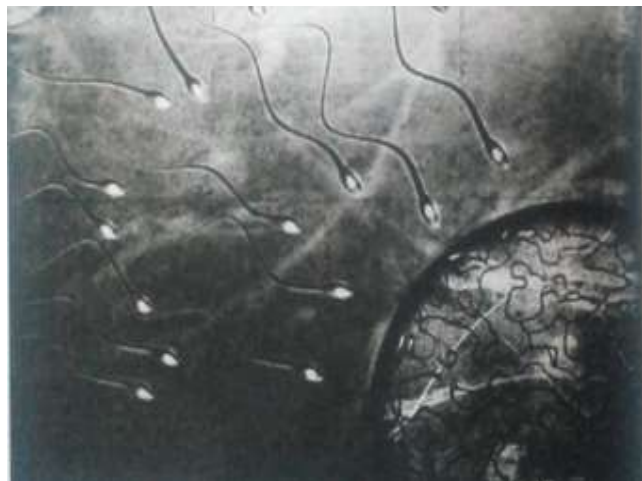
سلاله (عبور از تنگه)



از دحام اسپرم وقتی به گردنه میرسد می‌کوشند که از همین تنگه عبور کنند، گردنه رحم، جاده ارتباطی میان مهبل و رحم است، و مسافت این تنگه ۲ تا ۵ میلی متر است، و در اصطلاح پزشکی نیز به آن تنگه (uterine isthmus) یا برزخ می‌گویند.

۱. سوره ی واقعه، آیه ی ۵۸

سلاله (سیر سریع و سبقت)



به تدریج فشردگی صفوف و ازدحام اسپرم‌ها کم می‌شود و سرانجام یکی از آنها که چکیده و برگزیده و قوی‌تر است از دیگران سبقت می‌گیرد و نخستین اسپرمی است که خود را به تخمک مادر می‌رساند. این اسپرم از میان هزاران اسپرمی است که توانسته خود را به تخمک برساند. (لانگمن)

سلاله (خروج از ازدحام)



"اولین اسپرم برگزیده" پوسته را می‌شکافد و وارد تخمک می‌شود و این اسپرم که از سایرین قوی‌تر است گوی سبقت را برده و مجهز به اسلحه شیمیایی در پشت زره سخت خود است، این اسلحه شیمیایی کیسه‌هایی پر از آنزیم ذوب کننده است بنام "هیالورد نیدیز" این کیسه‌ها اولین عایق پوشیده به روی تخمک را سوراخ می‌کند و با کیسه‌های دیگر سایر قسمت‌ها را می‌گشاید تا اینکه خود را به داخل تخمک برساند و به محض ورود دم اسپرم قطع می‌شود.

سلاله (آب کم یا چکه ای از آب)



پروفسور جواد بابوتا پزشک و استاد دانشگاه پزشکی استانبول و متخصص در امراض زنان و زایمان و وزیر سابق مینویسد: «سلول‌های نطفه در بدن پدر تولید اما وظیفه آن محقق نمی‌شود مگر در بدن مادر و از آغاز تا تاریخ بشر هیچ نطفه‌ای بعد از انجام وظیفه‌اش در رحم مادر به بدن پدر بازنگشته تا سلول‌های نطفه و تولید نطفه را از وظائفش و حوادثی که بعدا با آنها روبرو خواهد شد آگاه کند».

براستی نطفه چطور می داند که باید خود را به تخمک برساند و باید پوسته آنرا با اسلحه شیمیایی که به همراه دارد سوراخ کند؟؟ منطق و عقل کدام بشر این مراحل را تصادف و طبیعت لاشعور می نامد؟؟ آیا اینها دلیل بر این نیست که خالقی توانا اینها را اداره کرده و می کند؟ فرگشت کور و تصادف یا طراحی هوشمند کدام یک منطقی تر است؟ آیا عقل کسی اینها را تصادفی و بی هدف بخواند نباید بدان عقل در سالم بودن تشکیک کرد؟ عاقلان را اشارتی کافیست

پاسخ: لازم به ذکر است که اینجا به این شبهه پاسخ دهیم مع الاسف برداشت سطحی و چنگ زدن به هر نوع تفسیر و تاویل مخالف با علم توسط آتئیست ها، عدم فهم کافی در این حوزه را به وجود آورده است. این تقسیم بندی خداوند در قرآن کریم بر پایه ی شکل بندی و تمایز جنین می باشد و با تعیین تکامل دوره ی جنین شناسی در پزشکی متفاوت است، معمولاً در حیطه ی زنان و زایمان این دوره ها رو به ۳ دوره ی (سه ماهه ی اول، دوم و سوم) تقسیم بندی می کنند و یا در حیطه ی جنین شناسی آن را به دو مرحله دوره ی (Embryonic Period) رویانی و دوره ی جنینی (Fetal Period) تقسیم می کنند. که این تقسیم بندی امروزه ی حوزه ی پزشکی ربطی به تعریف خالق از وضعیت و شکل جنین ندارد و ذکر این ۶ دوره ی رشد جنین به هیچ وجه با علم روز در تعارض نیست. قرآن کریم یکی از اعجاز آن، ساختار لایه ای آن می باشد، بدین گونه که برای یک بی سواد یا یک دکتر وقتی آن را می خواند هر کدام به تناسب عقل خود فهم و برداشتی رو دارند، آتئیست ها انتظار دارند خداوند متعال دوره ی های تخصصی جنین شناسی را برای صحابه بازگو می کرد، تا امروز آنها به این استدلال های پوچ و سرسام آور و کودکانه چنگ زنند و براستی بشر متحیر می ماند از این استدلال های تهی مغزان و بدور از منطق سبک مغزان.

شبهه:

مراحل جنین

شناسی ۶ دوره

نیست

پاسخ: الله متعال می فرماید: سپس او را بصورت نطفه ای در آورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) قرار دادیم. **۱. مکین:** مکن جائی است که چیزی را در بر میگیرد. **۲. مکین** یعنی: محکم و استوار (مراد موقعیت خاص و محل اطمینان رحم است. **۳. رحم** درون محفظه ای استخوانی به نام لگن جای گرفته است. این محفظه استخوانی دور تا دور رحم را احاطه کرده است و از آسیب رحم به دلایلی همچون ضربه و... جلوگیری می کند.

شبهه: نطفه در

جایگاه امنی نیست

قرآن میفرماید نطفه

را در جایگاه امن

قرار دادیم

- ۱- رحم در عین حال که درون لگن توسط طناب های متعدد به دیواره لگن محکم شده است، می تواند رشد کند و حجم آن تا چند صد برابر در انتهای حاملگی افزایش می یابد.
- ۲- عضلاتی که در کف لگن قرار دارند رحم را در محل خود نگه می دارند.

۱. سوره ی مومنون، آیه ی ۱۳
 ۲. ترجمه مفردات، ج ۴، ص ۲۳۸
 ۳. تفسیر نور و المعانی

۳- از مشخصات رحم این است که عضلات آن در طول مرحله‌ی حاملگی انقباضات چندان قابل توجهی ندارند و این مشخصه به دلیل تأثیر هورمون پروژسترون صورت می‌گیرد. اگر انقباضات عضلات دیواره رحم زیاد شوند جنین در دیواره مستقر نخواهد شد و به بیرون از سیستم تناسلی دفع خواهد شد.

۴- جنین در دیواره رحم توسط غشایی به نام آمنیون احاطه شده است. بین این غشاء و جنین حفره آمنیوتیک که مملو از مایع آمنیوتیک است قرار دارد. این مایع شفاف و آبکی است و با افزایش سن جنین مقدار آن بیشتر می‌شود به گونه‌ای که در هفته دهم بارداری مقدارش حدود ۳۰ میلی لیتر، در هفته بیستم ۳۵۰ میلی لیتر و در انتهای دوره بارداری به ۸۰۰-۱۰۰۰ میرسد. کیسه آمنیون و مایع درون آن به عنوان بالشک حفاظتی عمل می‌کنند و باعث می‌شوند که جنین بسیاری از ضربات وارد شده بر بدن مادر را تحمل کند چرا که ضربه‌ها در واقع به کیسه آمنیونی وارد می‌شود نه مستقیماً به جنین. مایع آمنیون وظایف دیگری نیز دارد مثلاً از چسبیدن رویان به پرده آمنیونی جلوگیری می‌کند، و تحرک جنین را ممکن می‌سازد، همچنین اجازه نمی‌دهد که سرما و گرمای خارج به آسانی به جنین منتقل شود زیرا برای رسیدن باید از مایع آمنیونی بگذرد، و واضح است که با عبور از مایع دما تعدیل می‌شود در غیر این صورت ممکن است که از طریق استحمام مادر با آب گرم و یا سرد صدماتی به جنین وارد شود، پس با توجه به موارد گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که رحم جایگاهی امن و مناسب برای جنین است.

پاسخ: این مورد از استثنائات می‌باشد و جایگاه نطفه را نا امن نمی‌کند و خللی در سلامت جنین بوجود نمی‌آورد و جز موارد نادر، منجر به هیچ مشکلی نمی‌شود در ثانی این موارد مربوط به بعد لانه‌گزینی می‌باشد نه تا قبل جایگزین شدن نطفه در رحم، سیاق آیه مشخص می‌سازد که نطفه در رحم قرار گرفته و جایگاه رحم بطور کامل به توجه به توضیحات بالا کافی و مستند می‌باشد و ثالثاً رحم در جایی قرار دارد که هم از سرما و همچنین برای محافظت در برابر صدمات خارجی محافظت شده و مفید واقع شده و اگر مکان امنی نبود که همین ملحدین بوجود نمی‌آمدند.

<http://americanpregnancy.org/while-pregnant/fetal-life-support/system>
https://en.m.wikipedia.org/wiki/Amniotic_fluid
<https://medlineplus.gov/ency/article/002220.htm>

شبهه: مشکلاتی بعد از لانه‌گزینی در رحم وجود دارد همچون اختلالات و آسیب‌پذیری در دیواره رحم، فیبروتید بیماری که در صورتی که بارداری هم وجود نداشته باشد بروز میکند، خونریزی‌های بارداری و ...

پاسخ: ملحدین بخاطر فرار از حقیقت محض (که در بالا نیز کامل جایگاه رحم مشخص شد) مجبور شدند تغییر رویه دهند و بگویند که نطفه قبل ورود به رحم در لوله‌ی فالوپ قرار دارد، و لوله‌ی فالوپ نیز به هیچ وجه مکان امنی نیست. قبلاً نیز مختصراً توضیح دادیم که قرآن کریم برای فهمی مردم در همه‌ی اعصار نازل شده است، آتئیست‌ها انتظار دارند که نبی اکرم فرمایش الله متعال را بصورت قرن ۲۱ با نشان دادن بدون امکانات عصر حاضر برای صحابه شرح میداد، مع‌الاسف غرض و دشمنی بی‌پایان و جهالت آتئیست‌ها باعث شده که عاری از انصاف به تحلیل و تجزیه‌ی قضایایی پردازند که هیچ محل درستی را ندارد. به صورت کاملاً واضح

نطفه در رحم قرار نمی‌گیرد ابتدا بلکه در لوله‌ی فالوپ قرار دارد که بسیار مکان نا امنی است

خداوند متعال محل قرارگیری نطفه را «دورن محفظه‌ای به نام لگن» ذکر کرده، که جنین را از (ضربه و افتادن و هر نوع خطر احتمالی) محافظت می‌کند که اگر جنین نمی‌بود که بشریت امروز جمعیت آن به ۸ میلیارد نمی‌رسید (فارغ از مردن میلیاردها نفر دیگر). و نه اشاره بسیار ریز به یک لوله‌ی کوچک، و درک این مهم برای شخص خردسال نیز آسان است. و این شبهه تنها ناشی از سواد سرشار و علم بی پایان اساتید آتئیست‌های مجازی نشات می‌گیرد.

صلب و الترائب

خداوند متعال می‌فرماید: {فلینظر الانسان مم خلق، خلق من ماء دافق، یخرج من بین الصلب و الترائب، انه علی رجعه لقادر}^۱ ترجمه: «انسان باید ببیند از چه چیز آفریده شده است، از آب جهنده‌ای که از بین خروجی سفت و خروجی های نرم خارج می‌شود».

واژه‌ی صلب به معنای درشت، دشوار، استوار و مستحکم است،^۲ و ترائب نیز جمع تریبه در لغت به معنای چیز نرم و نفوذپذیر و خاک مانند است و خاک را از جهت نرم بودن تراب می‌گویند. در ابتدا باید اشاره کرد تفاسیر متعددی در طول تاریخ در این باره انجام شده و اینجا نیاز به شرح و بررسی آن تفاسیر نمی‌بینم، اما توضیح اینکه ما در اینجا آیه را به چه چیزی تاویل می‌کنیم قابل توجه می‌باشد. مسلمان محقق همیشه می‌کوشد تا با تحقیق و پژوهش و کنکاو درباره‌ی آیات الهی و تفکر عمیق در آیات به خروجی مناسبی برسد که این خروجی تحقیقاتش اگر از روی تحقیق



خلوص باشد و تحقیقی که مخالف باور اسلامی و سیاق آیات محکومات نباشد بلامانع است، و گفتن اینکه مفسرین احتمالاً در این آیات به اشتباه رفته باشند (آگاهانه و با علم کافی) نیز خللی و خدشه‌ای بر علوم اسلامی و عقیده‌ی اسلامی کسی وارد نمی‌سازد. بنده نیز همچون معاصرین مسلمان و محققین دیگر همچون [استاد مصطفی طباطبایی]، پزشکان مسلمان و دعوتگران بزرگ جهان اسلام (ذاکر نایک و حمزه تزورتس و اساتید دانشگاهی و پروفیسورهای مسلمان شده) که این آیه را به شخص مذکر (مرد) تاویل کردند، موافق هستم و این نظر را بهتر و کاملتر از تاویلات دیگر می‌پسندم. و با توضیحاتی مختصر به این موضوع که چرا (صلب و ترائب) را به شخص «مذکر» تفسیر کردیم بیان خواهیم کرد.

۱. سوره ی طارق، آیه ی ۵-۷
 ۲. و فرهنگ نفیسی، ناظم الاطباء، ج ۳، ص ۲۱۶

پاسخ: با توجه به سیاق آیه مشخص می شود که اولاً الله متعال فقط به مایع جنسی مرد که جهنده می باشد اشاره کرده پس نتیجه می گیریم که آیه فقط در مورد اسپرم مرد سخن گفته است. دوماً بر خلاف نظر برخی که می گویند: «از استخوان سینه‌ی زن و بیضه‌ی مرد» مراد آیه است، به هیچ وجه چنین برداشتی از سیاق آیه نمی شود، خداوند متعال فرموده: «بین» این دو یعنی بین استخوان سینه‌ی مرد و بیضه‌ی او که می شود لگن، و مایعاتی که منجر به تشکیل اسپرم می شود. سوماً باز هم برخلاف برداشت سطحی مخالفین که انتظار دارند قرآن چنین می فرمود: «این منی از بیضه‌ی انسان خارج می شود»، که این خود یک اشکال علمی است چرا که مخالفین باید بدانند که فقط ۵ درصد منی و اپیدیدیم در بیضه ساخته می شود بقیه‌ی آن از استخوان‌های پشت و جلو مرد ساخته می شود که در زیر بدن‌ها اشاره خواهیم کرد.

شبهه: قرآن به اشتباه بیضه‌ی مرد و سینه‌ی زن را در خلقت بشر دخیل می داند در حالیکه این با علوم جدید مطابق ندارد و یک اشتباه فاحش قرآن می باشد.

بیضه از حداکثر ۹۰۰ لوله‌ی پیچدار منی‌ساز (seminiferous tubules) تشکیل شده است که در آنها اسپرم ساخته می شود و طول متوسط هر یک از آنها بیش از ۵/۰ متر است. سپس اسپرم به اپیدیدیم (epididymis) تخلیه می گردد که آن نیز لوله‌ای پیچدار به طول حدود ۶ متر است. اپیدیدیم به مجرای دفران (vas deferens) منتهی می شود و مجرای دفران درست بیش از ورود به غده پروستات (prostate gland) متسع می گردد و آمپول مجرای دفران را می سازد، در هر طرف پروستات یک کیسه‌ی منی (seminal vesicle) وجود دارد که به انتهای پروستاتی امپول باز می شود. محتویات هم آمپول و هم کیسه‌ی منی وارد مجرای انزالی (ejaculatory duct) می گردد که با گذر زمان از تنه‌ی غده‌ی پروستات، به پیشابراه اورترای داخلی (internal urethra) تخلیه می شود. مجرای پروستاتی (prostatic ducts) هم از غده‌ی پروستات به مجرای انزالی و از آنجا به پیشابراه پروستاتی تخلیه می گردد.

و اورترا آخرین حلقه‌ی ارتباطی بیضه با خارج است. اورترا دارای موکوسی است که از تعداد زیادی غده‌ی ریز اورترال (urethral glands) در تمام طول آن ترشح می شود و به میزان بیشتری هم از غدد بولبواورترال (bulbourethral) یا غدد کوپر (cowpers glands) دو طرف در نزدیک مبدا اورترا ترشح می گردد. این ترشحات عمومی است که در مسیر دایره‌ای درون بدن روی منی اعمال می شود اما منی هنوز هم خلاصه به این چند غده نیست و از سراسر فاصله ما بین استخوان‌های پشت و جلوی بدن بر روی منی ترشحات دائمی انجام می شود. اما چه هورمون‌هایی (غددی) بر روی اسپرم اثر می گذارند و در جهت ساخت منی با اسپرم سالم و فعال نقش دارند؟.

۱_ تستوسترون که از سلول‌های لیدیگ (leydig cells) در میان یافت بیضه ترشح می شود، برای رشد و تقسیم سلول‌های زایای بیضه در مرحله‌ی اول ساخت اسپرم ضروری است.

۲_ هورمون زرد ساز (LH) که از غده‌ی هیپوفیز قدامی ترشح می شود، سلول‌های لیدیگ را وادار به ترشح تستوسترون می کند.

۳_هورمون محرک فولیکول (FSH) که آن هم از غده‌ی هیپوفیز قدامی ترشح می‌شود، سلول‌های سرتولی را تحریک می‌کند، تبدیل اسپرماتیدها به اسپرم (روند اسپرمیوژنز) بدون این تحریک رخ نخواهد داد.

۴_استروژن‌ها: که بر اثر تحریک سلول‌های سرتولی با (FSH) از تستوسترون ساخته می‌شوند، احتمالاً برای اپرمیوژنز لازم هستند.

۵_هورمون رشد و نیز بیشتر هورمون‌های دیگر برای کنترل اعمال متابولیک زمینه‌ای در بیضه‌ها لازم است. هورمون رشد اختصاصاً باعث پیشرفت تقسیم اولیه‌ی خود اسپرماتوگونی‌ها می‌شود، در غیاب آن (مثلاً در کوتوله‌های هیپوفیزی) اسپرماتوژنز به شدت ناقص یا اصلاً وجود ندارد و لذا شخص نابارور است.

اسپرم پس از ساخته شدن در لوله‌های منی ساز به چند روز وقت برای عبور به اپیدیدیم شش متری نیاز دارد اسپرم برداشته شده از لوله‌های منی ساز یا قسمت‌های اولیه‌ی اپیدیدیم بی‌تحرك است و قدرت بارور سازی تخمک را ندارد. اما اسپرم پس از ۱۸ تا ۲۴ ساعت ماندن در اپیدیدیم، قدرت تحرک را می‌یابد. اگرچه چند پروتئین باز دارنده در مایع اپیدیدیم وجود دارند که تا پس از انزال مایع از تحرک نهایی آن می‌شوند. اسپرم‌ها پس از انزال متحرک می‌شوند. و طی روندی به نام بلوغ (maturation) قدرت بارورسازی تخمک را می‌یابند، سلول‌های سرتولی و اپیتلیوم اپیدیدیم مایع مغذی خاصی ترشح می‌کنند که همراه اسپرم خارج می‌شود. این مایع جلوی هورمون‌ها از جمله تستوسترون و استروژن‌ها، آنزیم‌ها و عناصر غذایی خاصی لازم برای بلوغ اسپرم است.

در مرحله بعد کیسه‌های منی که در نیمه پشتی که در پشت مرد قرار دارد قسمت اعظم منی را ترشح می‌کند. هر کیسه‌ی منی نوعی لوله‌ی پیچ و خم دار و حفره حفره است که یک اپیتلیوم ترشحي آن را می‌پوشاند. این اپیتلیوم یک ماده شبيه موكوس ترشح می‌کند که سرشار از فروکتوز، اسیدسیتریک و سایر عناصر غذایی به همراه مقدار زیادی پروستاگلاندین و فیبرینوژن می‌باشد. در جریان روند تخلیه (emission) و انزال (ejaculation) و مدت کوتاهی پس از تخلیه محتویات مجرای دفران به مجرای انزالی، هر کیسه‌ی منی محتویات خود را به درون مجرای انزالی می‌ریزد بدین ترتیب حجم منی انزالی تا حدود زیادی افزایش می‌یابد. در مرحله‌ی بعد پروستات بر روی منی ترشحات خود را اعمال می‌کند که پروستات نیز در نیمه پشتی بدن مرد است و در واقع پروستات نیز مثل کیسه‌ی منی در منطقه‌ای بین «صلب و ترائب» است و حتی برای عمل جراحی پروستات از طریق سونوگرافی از راه معقد می‌توان پروستات را بررسی نمود. غده‌ی پروستات یک مایع شیری رقیق ترشح می‌کند که محتوای کلسیم، یون سیترات، یون فسفات، نوعی آنزیم لخته کننده و یک پرو فیبرینولیزین است، کپسول غده‌ی پروستات در جریان تخلیه‌ی منی همزمان با انقباضات مجرای دفران منقبض می‌شود به طوری که مایع شیری و رقیق کننده غده‌ی پروستات حجم منی را زیادتر می‌کند. و در آخرین مرحله غده پیازی ترشحات خود را برای ساخت منی انجام می‌دهد.

منی در جریان عمل جنسی مرد انزال می‌یابد، از مایع و اسپرم آمده از دفران (حدود ۱۰ درصد از کل)، مایع آمده از کیسه‌های منی (حدود ۶۰ درصد) مایع آمده از غده‌ی پروستات (حدود ۳۰ درصد)، و مقدار کمی از ترشحات غدد موكوسی به ویژه غدد بولبواورترال تشکیل شده است لذا پخش عمده‌ی مایع منی را مایع کیسه‌ی منی تشکیل می‌دهد که آخرین مایع انزال یابنده است و برای شستن اسپرم مجاری انزالی و اورترا به کار می‌رود. یا منی در بیضه ساخته می‌شود و آیا

کیسه‌ی منی و غده پروستات و غده پیازی و غده فوق کلیوی و ترشحات مهره‌های ستون مهره و هورمون‌های دیگر و آنزیم‌های بین استخوان‌های پشت و جلوی سر مرد نیست؟

ستون مهره‌های مرد نیز در این پروسه نقش آفرینی می‌کند. نخستین تحریک جنسی مرد نعوذ آلت (penileerection) است که میزان آن با میزان تحریک روانی، چه روانی و چه فیزیکی تناسب دارد. نعوذ بر اثر پیام‌های پاراسمپاتیکی ایجاد می‌شود که از طریق اعصاب لگنی از بخش ساکرال نخاع به آلت (پنیس) می‌روند. معتقدند که این فیبرهای عصبی پاراسمپاتیکی بر خلاف بیشتر فیبرهای پاراسمپاتیکی دیگر علاوه بر استیل‌کولین، اکسیدنیتریک (nitric oxide) و یا پپتیدروده‌ای موثر بر عروق (VIP) ترشح می‌کنند استیدسیتریک، آنزیم گوانیل‌سیکلاز را فعال می‌کند. و باعث افزایش ساخت گوانوزین مونوفسفات حلقوی (GMP) می‌شود. GMP هم بخصوص شرایین آلت و نیز شبکه‌ی تراپکولار فیبرهای عضله‌ای صاف را در بافت نعوظی اجسام غاری (corpora cavernosa) جسم اسفنجی (corpus spongiosum) در تنه‌ی آلت منبسط می‌کند. جریان تون آلت با اتساع عضلات صاف عروقی افزایش می‌یابد و موجب آزادی اکسید نیتریک از سلول‌های اندوتلیال عروق و اتساع بیشتر عروق می‌گردد.

غددی که درون بیضه نیستند و در ساخت منی نقش دارند. اصطلاح اندروژم به معنای هر گونه هورمون استرویدی اعم از تستوسترون است که اثرات مردساز دارد، اندروژون شامل هورمون‌های جنسی مردانه که در هر نقطه‌ی دیگر از بدن جز بیضه‌ها تولید می‌شوند نیز هستند. مثلاً غدد فوق کلیه حداقل ۵ اندروژون ترشح می‌کند اگر چه در حالت طبیعی کل فعالیت مرد ساز تمام این هورمون‌ها به حدی کم است (کمتر از ۵ درصد از کل مردان بالغ) که حتی در زنان هم جز



رویش موهای پوبس و زیر بغل، باعث صفات چشمگیر مردانه نمی‌شود اما زمانی که تومور فوق کلیه یا سلول‌های اندروژن ساز فوق کلیه بوجود آید، مقدار هورمون‌های آندروژنی ممکن است به حدی زیاد شود که باعث پیدایش تمام صفات ثانویه جنسی مردانه حتی در زنان گردد. پس ثابت می‌شود که منی مرد با همان آب جهنده حاصل ترشحات غدد و اندام‌های زیادی، همچون استخوان‌های بین (سینه‌ی مرد و پشت و جلوی او) است. و هیچ تضاد و مخالفتی بین این دیدگاه قرآنی با علم جدید دیده نمی‌شود و صد البته بر آن منطبق نیز می‌باشد.

اولین سلول انسان از ترکیب اسپرم پدر با تخمک مادر پدید می‌آید که در اصطلاح قرآن "امشاج" و از نظر علمی «زیگوت» می‌شود. که این سلول بعد مدتی که شروع به تقسیم شدن می‌کند و این تقسیمات در حین حرکت بسوی رحم همچنان ادامه می‌یابد و آنگاه انبوه سلول‌های تخم در رحم لانه‌گزینی می‌کند. و نخستین تقسیمات سلولی انجام می‌پذیرد و بعد از هر ۱۲ تا ۱۵ ساعت سلول‌ها شروع به تقسیم بودن می‌کنند و در ۳ الی ۴ شبانه روزی که تخم در مسیر رفتن به طرف رحم می‌باشد ابتدا به دو قسمت مساوی، به چهار و هشت و بعد به شانزده و در نهایت به سی و دو قسمت و به حد تعادل رسیده و در اولین سلول (امشاج) مواد غذایی سیتوپلاسم که دور هسته را گرفته بیش از میزان مورد نیاز هسته آن سلول است. به هر سلول نسبت مواد غذایی مناسبی سیتوپلاسم مساوی می‌رسد. و بعد از تقسیم شدن و رسیدن به ۳۲ بخش مساوی کم‌کم سلول‌ها شروع به شکل‌گیری می‌کنند و شکل و شمایل جنین آهسته

شکل می‌گیرد و این شکل‌گیری با استفاده از اطلاعاتی که با کدگذاری در سلول‌های توارثی ضبط شده درک و صورت سازی می‌کنند.^۱

شکل‌گیری فوق‌العاده شگفت‌انگیزی که خالق بنا بر مصلحت، حکمت و علم خویش به آن صورت زیبایی می‌بخشد چنان با عظمت است که دکتر اکسیس کارل می‌گوید: «ساختمان عضوی به افسانه‌های بریانی که برای کودکان نقل می‌شود شبیه است و به وسیله سلول‌هایی انجام می‌شود که گویی نمای بنای آینده را از پیش می‌دانند و به کمک محیط داخلی خود طرح ساختمان و مصالح کار کارگران را آماده می‌کنند».^۲

علاوه بر این، «تیموس» که یک اندام حیاتی کوچک در سینه بالایی شما است، زیر استخوان سینه‌ی مرد، یک ارتباطی بین غده‌های جنسی و تیموس وجود دارد. عقیم کردن (حذف تخم مردان و تخمک زنان) تا حدود قابل توجهی باعث افزایش اندازه تیموس و سطح بالای هورمون‌های جنسی باعث کاهش قابل توجه اندازه تیموس می‌شود. این مورد در طی بارداری زمانی که سطح پرزسترون و استروژن بالاست کاملاً مشهود است و اندازه تیموس به ۱۰٪ درصد اندازه واقعی خود کاهش پیدا می‌کند. مدارکی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد تیموس میتواند غده‌های جنسی را تنظیم کند. گزارش شده حیواناتی که غده تیموس آنها حذف شده و یا مادزادی نداشته‌اند، در تولید مثل و عملکرد غده‌های جنسی دچار مشکل شدند. این احتمالاً بدلیل تولید محدود هورمون توسط تیموس است. دو نوع خط فکری در توضیح ارتباط تیموس و غده‌های جنسی ارائه شده است. برجسته‌ترین نظر این است که کاهش اندازه تیموس در طی بارداری باید خیلی مهم باشد. این امر میتواند بدلیل نیاز به محدودیت تولید سلول‌های T جدید و یا محدودیت در تولید هورمون‌های تیمیکی باشد. دومین خط فکری این است که تیموس و غده‌های جنسی در شرایط عادی عملکرد همدیگر را به عنوان روشی در حفظ هم ایستایی (تعادل هر دو) تنظیم می‌کنند. در این مورد بارداری یک موقعیت استثنایی است که در آن تنظیم تیمیکی هورمون‌های جنسی با مکانیسم‌های دیگر مغلوب می‌شود. بنابراین، تیموس یک عضو مهم در سلامت و بیماری است، در طول زندگی برای تولید سلول‌های جدید T عمل می‌کند. (که اهمیت سلول‌های T در دوران بارداری بالا اشاره شد). تیموس در دوران بارداری، فرایندی را تولید می‌کند که احتمالاً از نظر هورمون جنسی تاثیر می‌گذارد و تصور می‌شود که برای بقای جنین ضروری است.

<https://medlineplus.gov/thymuscancer.html>

<http://grantome.com/grant/NIH/R۰۲-HD۰۴۶۷۱۷-۰۱A۱>

<https://goo.gl/TPMjBR>

www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC۴۹۸۹۷۰۳/

^۱. قرآن شناسی صالح غلامی، استکهلم
^۲. انسان موجود ناشناخته، دکتر اکسیس کارل

بخش دوم: ثم خلقنا النطفه علقه

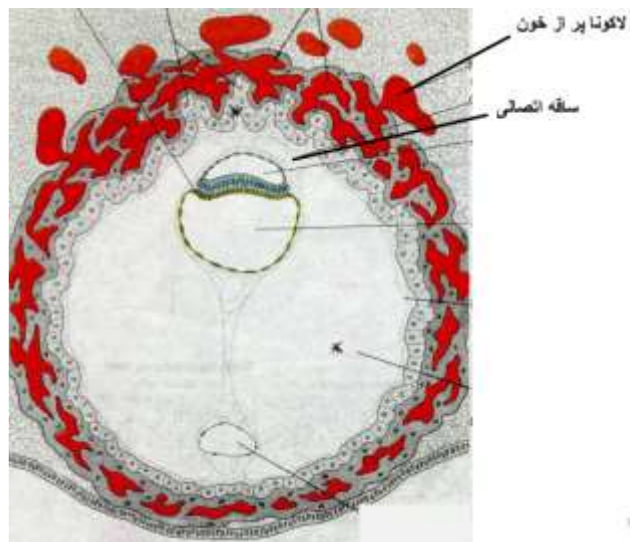
علق جمع علقه دارای معانی و مفاهیمی است که متخصصین این حوزه آن را به چند معنی اما شبیه به هم ترجمه کرده اند.^۱

۱. خون بسته ۲. چیزی که آویزان باشد ۳. زالو ۴. کرمک سرخگون



جنین در این مرحله به تقسیمات متوالی سلول تخم تبدیل شده، و منجر به تشکیل سلول‌های رویانی اولیه یا بلاستومرها می‌شود، بلاستومرها تغییر شکل می‌یابند و به سرعت در مقابل هم ردیف می‌شوند. و توپ متراکمی از سلول را به وجود می‌آورند. وقتی که ۱۲ بلاستومر یا بیشتر تشکیل شدند، به گروه سلول‌های کروی شکل تبدیل می‌شوند که آن‌ها را مورولا می‌گویند، مرحله مورولا ۳الی ۴ روز پس از لقاح به وقوع می‌پیوندد و در همین محله است که رویان وارد رحم می‌شود.^۲

الله متعال می‌فرماید: خداوند انسان را از علق (بسته‌های خونی شبیه لخته) آفرید و از آن جا که علق جمع است. بنابراین خلق الانسان من علق (یعنی خداوند انسان را از سلول‌ها و بسته‌های خونی آفرید). شکل گیری سیستم عروقی رویان شامل دو پدیده است که عبارتند: «از شکل گیری عروقی خونی و اتصال شبکه‌های عروقی به یکدیگر که در طی هفته‌ی سوم ایجاد می‌شوند و خون در عروق بسته شکل می‌گیرد».



شبکه رگهای خونی (در مدار بسته) جنین را به صورتی در آورده که مانند توت سیاه کیسه‌های خون بسته به نظر می‌رسد. پس از اینکه جنین دارای قلب شد همین خون جامد به حرکت در می‌آید و مرطوب و تازه می‌شود. طی روزهای دوازدهم تا بیست و یکم (مرحله علقه) جنین از نظر تغذیه‌ای خلاف روزهای اولیه دوره تکاملی (مرحله نطفه) نیازهای تغذیه‌ای و تنفسی خود را از خون مادر دریافت می‌کند.

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، دارالکفر و راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن

۲. جنین شناسی کاربردی، مور و پرساد، ص ۱۳

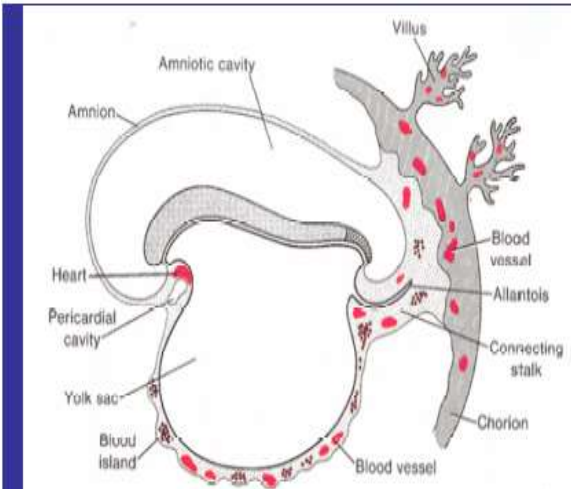
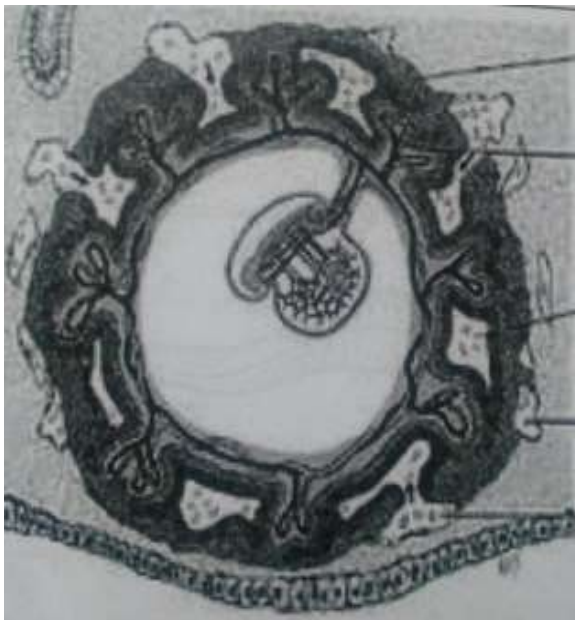


Figure 5.15. Extraembryonic blood vessel formation in the villi, chorion, connecting stalk, and wall of the yolk sac in a presomite embryo of approximately 19 days.

لازم به ذکر است جنین طی «هفته اول» که در لوله رحم و در مایع درون رحم شناور است و هفته دوم (تا روز یازدهم یا دوازدهم) که جنین درون رحم نفوذ کرده است نیازهای خود را از مایعات اطراف خود تأمین می‌کند.

اما روز دوازدهم خون مادر در حفره‌هایی که در لایه سن سیتوترو فوبلاست قرار دارند و به لاکونا معروف هستند، وارد می‌شود و این حفره‌ها را پر می‌کند البته ابتدا لاکون‌هایی از خون پر می‌شوند که نزدیک جنین قرار دارند سپس لاکون‌های دیگر که در مناطق دورتر قرار دارند از خون پر می‌شوند.^۱ قلب جنین هنوز ضربانی ندارد. قلب در طی روزهای ۲۲-۲۳ شروع به ضربان می‌کند. بنابراین طی مرحله علقه خون در جنین ساخته می‌شود اما به دلیل عدم شروع ضربان مرحله علقه

قلب، خون در رگ‌های جنین جاری نیست. گفته می‌شود زمانی که پروفسور کیت مور (استاد جنین‌شناسی دانشگاه تورنتوی کانادا) از طریق عده‌ای از پزشکان مسلمان به معنای علقه در زبان عربی (خون بسته) پی برد، بسیار متعجب شد و در اوج حیرت گفت: «آنچه در قرآن ذکر شده است تنها توصیف دقیق شکل خارجی جنین نیست بلکه توصیف قرآن هم شکل خارجی و هم تکوین داخلی جنین را در بر گرفته است، زیرا ابزارهای ما نشان داده است که در مرحله علقه خون در عروق بسیار باریک جنین محبوس گردیده و در حقیقت به شکل خون بسته است. پس قرآن نه فقط شکل و تصویر خارجی جنین را در این مرحله از پیدایش بیان نموده بلکه حتی ساختار داخلی آن را هم مشخص گردانیده است».



علقه در لسان العرب به معنای کرمک سرخگون نیز آمده که به بدن می‌چسبید و خون می‌مکد و جالب این است که علقه از جهات مختلف کاملاً شبیه به زالو می‌باشد مگر از نظر رنگ آن، که زالو سیاه اما علقه سرخگون است.^۲

در تفسیر ابن کثیر درباره‌ی آیه‌ی {ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً} آمده است: فصارت علقه حمراء علی شکل العلقه مستطیله.^۳ ترجمه: «پس بصورت علقه سرخگون در آمد و به شکل زالوی مستطیلی».

۱. ویلیامز، جنین‌شناسی بخش اول، ص ۷۰

۲. لسان العرب، ابن منظور، ج ۹، ص ۳۶۱

۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۴۰

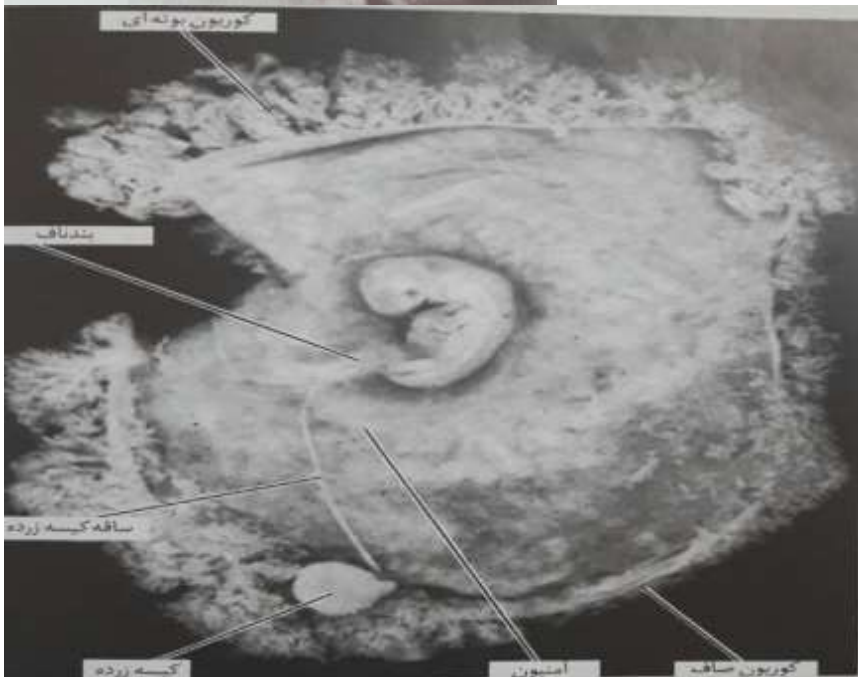


مفردات راغب نیز علقه را به معنای تشبث به چیزی و نیز کرمی است که به گلو می‌چسبد معنی کرده است. و چون علقه در آیه بصورت نکره آمده، منظور یک نوع موجود شبیه به «کرم و زالو» است که به دیواره‌ی رحم آویزان است) و از خون مادر تغذیه می‌کند.^۱

در این مرحله که جنین بسیار بزرگ شده پس از آنکه جنین یا کیسه‌ی زرده استقرار پیدا کرد، پرزها که از مشیمه برمی‌خیزند در آستر زاهدان فرو می‌روند و ریشه‌هایی برای لنگر انداختن جنین محسوب می‌شوند. در همین تغییراتی در آستر زاهدان صورت می‌گیرد و پیدایش جفت آغاز می‌شود. علقه از لوله‌ی فالوپ به رحم آمده تا مانند نهالی که در خاک نشانده می‌شود در دیواره‌ی رحم کشت شود در این مرحله جنین با ریشه‌هایی که می‌رویاند از خون مادر تغذیه می‌کند. (وبلیامز)



جنین در این مرحله در حفره‌ای به نام حفره‌ی آمنیون شناور است و توسط ساقه‌ای به نام ساقه اتصالی که بعداً بند ناف را می‌سازد، به پرده کوریونی و از این راه به دیواره رحم آویزان شده است. ساقه اتصالی بخشی از مزودرم خارج رویانی است که در روز دوازدهم تا سیزدهم یعنی در مرحله علقه دیده می‌شود. در آیه ۱۴ سوره مؤمنون در تبدیل نطفه به علقه از کلمه "ثم" استفاده شده است،



(ثم) در زبان عربی معمولاً به معنای ترتیب با مقداری فاصله زمانی به کار می‌رود و از حرف پیشوند "ف" به معنی انتقال سریع از یک مرحله به مرحله بعد استفاده نشده است، زیرا طول زمانی که (نطفه به علقه تبدیل می‌شود بیش از ده روز است) و از حدود روز دوازدهم شروع می‌شود و تا روزهای بیست و دوم و یا بیست و سوم ادامه می‌یابد.

۱. مفردات راغب، ص ۳۵۵

بخش سوم: فخلقنا العلقه مضغه

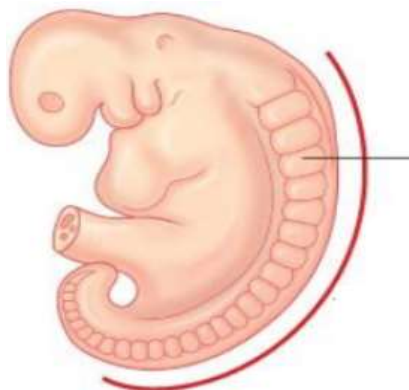
در آیه ۱۴ سوره ی مومنون و آیه ی ۵ سوره ی حج بدین مهم اشاره شده. مضغه در لغت به معنای ماده‌ای که دندان آن را جویده است می‌باشد، یا قطعه گوشتی که بدان شکل و گوشت جویده شود (و یا آدامسی که جای دندان بر آن افتاده).^۱ از روز ۲۴ تا ۲۶ طی دو روز جنین از مرحله ی علقه به مرحله ی مضغه تحول می‌یابد و از این رو برای این دگرگونی سریع حرف (ف) آمده که بیانگر تحول پی در پی و زود این مرحله می‌باشد. جنین هنوز جنین شکل خاص و کامل خود را نگرفته و آشکار نشده و [برخی سلول‌ها متمایز و برخی دیگر نیز هنوز متمایز نشده]، همان‌طور که در تصویر نیز هویدا است.



جنین انسان



آدامس جویده شده

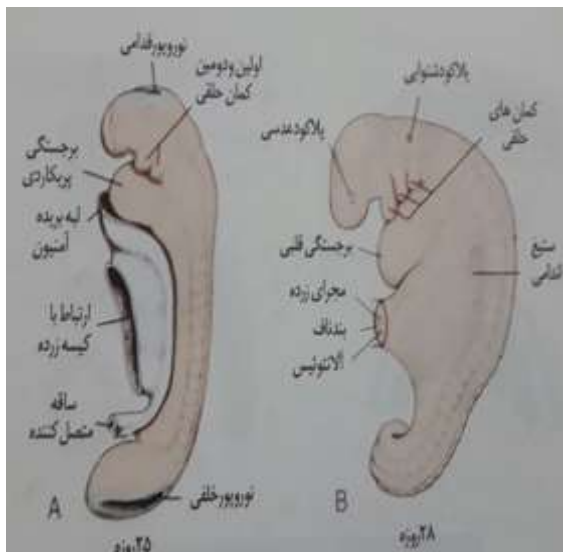


سومیت

در این دوره اگر به جنین دقت کنیم خواهیم دید که در نمای جانبی جنین قطعاتی جدا از هم و پشت سر هم به نام "سومیت" ظاهر می‌شوند. سومیت‌ها در واقع از مزودرم نزدیک خط وسط رویان است که از ناحیه پس سری جنین شروع می‌شود و به سمت بخش‌های پایین‌تر جنین ادامه می‌یابند. اولین زوج سومیت در ناحیه گردن رویان و تقریباً در روز بیستم به وجود می‌آید. از این ناحیه به بعد در مسیر، از سر به دم مسیر کرانیوکودال تقریباً روزی سه جفت سومیت تازه ایجاد می‌شود تا این که در پایان هفته پنجم به ۴۴-۴۲ جفت سومیت می‌رسند.

البته بعداً بعضی از سومیت‌ها از بین می‌روند. سومیت‌ها در ساخت مهره‌ها، دنده‌ها و عضلات اندام‌های بالا و پایین و عضلات خلف تنه شرکت دارند. همچنین در بعضی از نقاط بدن در ساخت لایه زیرین پوست شرکت دارند.

افزون بر سومیت‌ها، در این مرحله قوس‌هایی به نام قوس‌های حلقی در ناحیه فوقانی جنین (درست در زیر برآمدگی سر) پدید می‌آیند و در حد فاصل این قوس‌ها شکاف‌هایی به نام شکاف‌های



^۱. ابن منظور، جلد ۸، ص ۴۵۱

حلقی مشاهده می‌شوند وجود سومیت‌ها و قوس‌های حلقی به جنین شکلی مشابه با قطعه گوشت یا آدامسی که در دهان در حال جویدن باشد، داده است، جنین ۱-۲ سانتی متر است در این مرحله طول آن مرتب در حال افزایش است. همچنین مشابه آدامس که در دهان در حال جا به جا شدن است، درون کیسه آمنیون جای آن مرتب تغییر می‌یابد.

تشکیل سه لایه‌ی زایای رویانی به نام اکتودرم، مزودرم و آندودرم طی فرایندی به نام «گاسترولاسیون» که در رویان است، که کلیه‌ی بافت‌های بدن انسان از همین سه لایه منشأ خواهند گرفت. با ایجاد این تغییر اساسی در رویان، از هفته سوم به بعد که سلول‌های بنیادی در آن شروع به تمایز کرده و بافت‌های بدن انسان را به وجود می‌آورند، مرحله مضغه شروع می‌شود. (لانگمن، ص ۵۱)

لازم به ذکر است که جنین در این مرحله فاقد گوشت است و فقط به صورت یک توده سلولی نرم است و از خود حرکتی ندارد چرا که هنوز عضلات شکل نگرفته‌اند. در هفته‌ی چهارم جنین از نگاه ساینس در مرحله‌ی تکامل تعدادی از سلول‌ها هستیم [برخی اعضای جنین شکل گرفته (تصویر ۱) و بعضی اعضا هنوز شکل نگرفته (تصویر ۲)] و مصداق آیه‌ی شریفه قرآن می‌باشد: {ثم من مضغه مخلقه و غیر مخلقه} ترجمه: «سپس شما را از تکه گوشت شکل گرفته و شکل نگرفته بیافریدیم»^۱.



^۱. سوره ی حج، آیه ی ۵

پاسخ: هرگاه ۴۲ شب بر (انعقاد) نطفه گذشت خداوند متعال فرشته‌ای بسوی آن روانه می‌کند، پس آن نطفه را شکل می‌بخشد و گوش و چشم و پوست و گوشت و استخوانش را می‌آفریند، سپس فرشته می‌فرماید: **پروردگرم آیا مذکر است یا مؤنث؟** پس پروردگارت هر چه اراده نمود **مقدر** می‌فرماید و فرشته می‌نویسد، سپس می‌گوید: «ای پروردگرم روزی‌اش چطور باشد؟» پس پروردگارت هر طور که خواست و اراده نمود مقدر می‌نماید، و فرشته نیز می‌نویسد، سپس فرشته با صحیفه (نامه) در دستش بیرون می‌رود، و بعد، بر آنچه که الله متعال فرمان داده نه چیزی اضافه می‌کند و نه چیزی کم می‌نماید. مشاهده می‌کنیم که طبق حدیث شریف، ملائکه بعد از مدت زمان تعیین شده از پروردگار چیزی را که نمی‌داند سوال می‌پرسد (که آیا این بچه دختر است یا پسر؟) و هرگز در این زمان تعیین جنسیتی صورت نگرفته است.

نویسنده‌ی شبهه با تلبیس حدیث را غلط ترجمه کرده و نوشته ملایکه می‌پرسد: «مرد باشد یا زن؟» در حالی که اصل پرسش ملایکه این است که می‌گوید: «مرد است یا زن؟» و بین این دو تفاوت وجود دارد، پرسش اول به معنای تعیین جنسیت است و پرسش دوم به معنای سوال از جنسیت! چرا هر کسی می‌داند

از همان بدایت کار و تلقیح اسپرم و تخمک و ایجاد زیگوت، جنسیت تعیین می‌گردد. (xx or xy)

خداوند متعال می‌فرماید: {إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ} ^۱ ترجمه: «آگاهی از زمان برپایی قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌های (مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد همانا خداوند عالم و آگاه است». همچنین نبی اکرم فرموده: {خمس لا يعلمهن إلا الله إن الله عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في الأرحام وما تدري نفس بأي أرض تموت} ترجمه: «پنج چیز هستند که بجز الله متعال کسی آن را نمی‌داند، اینکه آگاهی از فرا رسیدن قیامت ویژه‌ی خدا است، و او است که باران را می‌باراند، و مطلع است از آنچه در رحم‌ها است، و هیچ کسی نمی‌داند فردا چه چیز را فراچنگ می‌آورد، و هیچ کسی نمی‌داند که در کدام سرزمین می‌میرد».

خدای متعال فرموده: {وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ} ترجمه: «و آنچه را که در رحم‌های (مادران) است می‌داند». در این آیه علاوه بر اینکه به جنسیت جنین اشاره کرده است؛ **بلکه فرموده که از احوال جنین، آگاهی از تمامی خصوصیات و جزئیات جنین، استعدادهای درونی، کیفیت روحی، صفات جسمانی، ویژگی‌های بیرونی جنین، اوضاع حال و آینده را می‌داند نه فقط جنسیت و گوشه‌ی کوچکی از احوال جنین.**^۲ و نیز پیامبر نیز در حدیث به همین «ما فی الارحام» اشاره

شبهه: محمد ندانسته که علم روزی پیشرفت می‌کند و بشر به جنسیت جنین در همان شکم مادر پی میبرد و به اشتباه در قرآن گفته فقط خدا از جنسیت آن آگاه است؟ پیامبر گفت: نطفه در رحم بمدت ۴۰ شب قرار می‌گیرد سپس فرشته‌ای را بسوی آن میفرستد. فرشته می‌پرسد ای خدا مرد باشد یا زن؟ سپس خدا او را مرد یا زن قرار می‌دهد.

^۱. سوره ی لقمان، آیه ۳۴.
^۲. اکثریت تفاسیر بر این رای می‌باشد.

کرده، اما دیگر موارد از قبیل: (مقدار زمانی که جنین در شکم مادرش بسر خواهد برد و در ادامه فرموده: {ماذا تكسب غدا} ترجمه: «مقدار حیاتش، و اعمال او، و مقدار رزقش، و شقاوت یا سعادت، خیر و شر او نیز از دیگر مواردی است که داخل در عموم آیه می‌شود که تنها خداوند متعال از آن آگاهی دارد».

آنتیست‌های مغرض توجه نکرده‌اند که الله متعال در آیه فرموده "ما فی الأرحام" نه اینکه فرموده باشد: «من فی الأرحام»، چرا که هیچ کسی بجز الله عزوجل، علم به «روزی جنین، عمرش، خوشبختی یا بدبختی، زمان مرگ و تمام احوال او ندارد». پیامبر(ص) در تفسیر آیات ۳۷ تا ۳۹ سوره القیامه، در حدیثی می‌فرماید: {إِنَّ النُّطْفَةَ تَقَعُ فِي الرَّجْمِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ يَتَصَوَّرُ عَلَيْهَا الْمَلَكُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أذكرُ أَوْ أَنْثَى فَيَجْعَلُهُ اللَّهُ ذَكَرًا أَوْ أَنْثَى} ترجمه: «نطفه در رحم به مدت ۴۰ شب قرار می‌گیرد. سپس فرشته ای آن را شکل و صورت می‌دهد. فرشته می‌پرسد ای خدا مرد است یا زن؟ سپس خدا او را مرد یا زن قرار می‌دهد».^۱

زمان دقیق و نحوه ظهور جنسیت جنین، از حدیث فوق مشخص می‌شود. همان طور که گفته شد [بیان ظهور جنسیت جنین است نه تعیین جنسیت آن]، عبارت «فَيَجْعَلُهُ». همچنین عبارت تَصَوَّرَ عَلَيْهَا (فرشته) آنرا شکل می‌دهد. بیان نوع ظهور جنسیت جنین می‌باشد که صورتگری فرشته است؛ یعنی فرشته بعد از ۴۰ روز، با اذن خداوند شروع به شکل دهی جنسیت جنین (آغاز تمایز و آشکار شدن آلت تناسلی خارجی) می‌نماید. با جمع بندی آیات مطرح شده و حدیث فوق، می‌توان گفت از نظر قرآن و سنت:

۱. علت تعیین جنسیت، منی می‌باشد.
۲. زمان ایجاد جنسیت (خلق جنسیت)، همان لحظه لقاح و تشکیل سلول تخم می‌باشد.
۳. زمان آغاز ظهور و بروز جنسیت در جنین (جعل جنسیت)، بعد از مرحله علقه و با توجه به حدیث پیامبر (ص) و علوم روز بعد از ۴۰ روز یعنی بعد از تشکیل سلول تخم می‌باشد. همانطور که پروفیسور توماس سادلر در کتاب جنین شناسی پزشکی خود که در حال حاضر یکی از معتبرترین کتب جنین‌شناسی در جهان است می‌نویسد: «تا اواخر هفته ششم، تشخیص اعضاء تناسلی خارجی، در بین دو جنس نر و ماده غیر ممکن است».^۲

^۱ . مسلم المسند الصحیح المختصر . بیروت، دار إحياء التراث العربی.

^۲ . لانگمن، ص ۲۵۱، و همچنین جنین شناسی قاسم ساکی مدیر گروه دانشگاه اهواز

بخش چهارم: فخلقنا المضعه العظما

پس از مرحله مضغه و ورود به دوره استخوانی طی یک و یا دو روز صورت می‌گیرد. حرف «ف» قبل از خلقنا این موضوع را تأیید می‌کند که مرحله انتقال سریع صورت می‌گیرد. مطالعات جنین‌شناسی نشان داده که مرحله استخوانی در انتهای هفته ششم و اوایل هفته هفتم با ظهور مراکز استخوانی کوچک شروع می‌شود. سومیت‌ها و قوس‌های حلقی که در مرحله تکاملی ظاهر می‌شوند، نقش بسیار مهمی در تشکیل استخوان‌ها دارند.

نکته‌ی قابل توجه و مهم این است که در اینجا حرف (ف) به معنای تبدیل شدن سریع مضغه به عظام (لحم به استخوان) نیست بلکه به معنای این است که به محض پایان [هفته‌ی چهارم و شروع هفته‌ی پنجم] ساخت استخوان‌ها شروع می‌شود، مثالی جهت تفهیم بیشتر که از تفسیر و برداشت برخی شبهه افکنان جلوگیری کنیم.

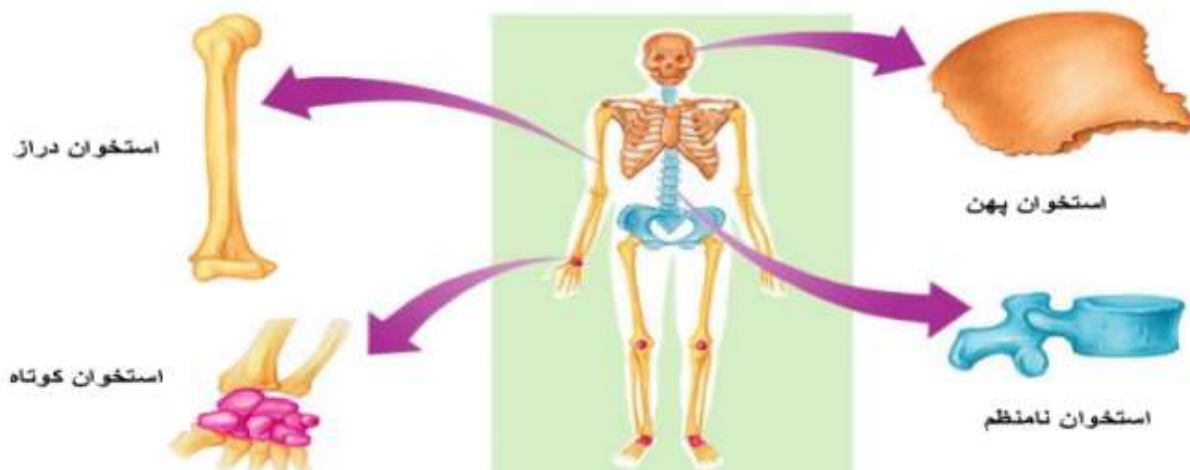
مثال: اگر شخصی بمیرد می‌گویند فرزندان‌ش فوری بعد مرگ او ارثش تقسیم می‌کنند، در اینجا بعد مرگ منظور این نیست بعد یک ساعت به تقسیم ارث می‌پردازند، مرحله‌ی استخوان سازی هم نه تنها در جنین انسان بلکه تا سال‌های سال ادامه می‌یابد و برخلاف برداشت و تاویل برخی معاندین به معنای این نیست که رویان فوری وارد مرحله‌ی استخوان-سازی می‌شود. در این مرحله استخوان‌های بلند و کوتاه و پهن و نامنظم شکل می‌گیرد و هر چهار گروه استخوانی فوق را در ابتدا به دو صورت می‌توان دید:

۱- به صورت غشاء: اکثر استخوان‌های پهن در ابتدا به این شکل دیده می‌شوند، سپس به تدریج به استخوان تبدیل می‌شوند.

به این روش استخوان‌سازی که در آن غشاء مستقیماً به بافت استخوان سازی تبدیل می‌شود استخوان سازی درون غشایی گفته می‌شود. در این نوع استخوان سازی، بافت استخوانی در داخل لایه‌ای از بافت همبند مزانشیمی تشکیل می‌شود و این بافت مستقیماً به بافت استخوانی مبدل می‌شود.

۲- به صورت غضروف: غضروف نوعی بافت همبند است که به علت خاصیت ارتجاعی، می‌تواند بدون تغییر شکل دائمی فشار زیادی را تحمل کند و همچنین از بافت‌های نرم بدن پشتیبانی به عمل می‌آورد. نقش غضروف در تشکیل استخوان این است که اولین مرحله ساخته شدن بعضی از استخوان‌ها است. بدین ترتیب که استخوان‌های بلند، کوتاه و همچنین استخوان‌های قاعده جمجمه ابتدا به صورت تکه‌های غضروفی هستند، سپس به تدریج به استخوان تبدیل می‌شوند. به این روش استخوان‌سازی، استخوان‌سازی داخل غضروفی گفته می‌شود. و این هیكل استخوانی است که به پاره‌گوشت جنین شکل و شمایل آدمی می‌دهد، و سر و سایر اعضا از همدیگر متمایز می‌گردند، در گذشته باور بر این بود که گوشت و استخوان همزمان با هم رشد می‌کنند که قرآن کریم این‌ها را تفکیک و جدا کرده و همانطور که بیان کرده جنین پس

از دوره‌ی مضغه تمام سلول‌هایش به استخوان تبدیل می‌گردد. ۱. در حدود اوایل هفته‌ی هفتم آغاز مشخص شدن انگشتان دست و پا و الیاف ظریفی که بعد ماهیچه‌ها تشکیل خواهد شد، و در هشتمین هفته مراکز رشد استخوان استقرار یافته، تشکیل ساخت‌های استخوانی عمیق‌تر آغاز می‌شود. استخوان ترقوه حالت استخوانی خوبی پیدا کرده و...



۱. اسلام و دانش امروزی، دکتر ابوتراب نفیسی ص ۳۲
 ۲. راهمای پزشکی خانواده، احمد آرام، ج ۱، ص ۳۷۷

بخش پنجم: فکوسنا العظما لحمنا

ترجمه: «و بر روی استخوان ها گوشت پوشانیدیم»، مرحله ی (پوشش گوشت بر روی استخوان) در انتهای هفته ی هفتم آغاز و تا انتهای هفته ی هشتم ادامه دارد (که در اینجا نیز حرف «ف» نشان دهنده ی تشکیل سریع ماهیچه بر روی استخوان ها می باشد که به محض اتمام استخوان سازی، مرحله ی پوشش گوشت آغاز می شود)، با انتشار عضلات پیرامون استخوان صورت آدمی به طور اعتدال آشکار می شود. پس از تشکیل سلول های اسکلتی (scelerotome) که موجب ساخته شدن استخوان و غضروف می گردد، سلول های ماهیچه ای میوتوم (myotrom) ساخته می شوند.^۱

دستگاه اسکلتی بدن از مزودرم کنار محوری، مزودرم صفحه جانبی و ستیغ عصبی تکامل می یابد. در پایان هفته چهارم، سلول هایی به نام اسکروتوم چند شکلی شده و بافتی به نام مزانشیم را به وجود می آورند که به طور مستقیم (استخوان سازی داخل غشایی) یا غیرمستقیم (استخوان سازی داخل غضروفی)، استخوان های مختلف بدن را می سازند در صورتیکه اولین علامت شروع ساختمان عضلانی اعضا، از هفتمین هفته تکامل، پدیدار می شود. (لانگمن، ص ۱۳۳، ۱۴۸).

و در این قسمت عضلات کم کم ساخته شده و عضله ها استخوان را احاطه می کند و تا زمان اتمام سه ماهگی این عمل انجام شده. اما بعد از اتمام ماه سوم سیمای انسانی را کاملاً به خود می گیرد، بعد از اتمام مرحله ی رویانی (سه ماهه ی اول) و در ابتدای دوره ی جنینی (از سه ماهه ی سوم تا زمان زایمان) در شکم مادر، جنین مذکر بیضه ها و در جنین مؤنث تخمدان ها درون شکم و در طرفین مهره ها که قرار دارند. کلیه ها درون لگن قرار دارند. در انتهای این دوره بیضه ها به خارج شکم می روند و در کیسه بیضه مستقر می شوند تخمدان ها درون لگن جای می گیرند و کلیه ها از لگن خارج می شوند و به سمت بالا صعود می کنند.

پاسخ: هفته های بیست و دوم تا بیست و ششم جنین مرحله ای از تکامل را پشت سر

می گذارد که بعد از این مرحله می تواند خارج از شکم مادر زندگی جدیدی را آغاز کند. به بیان دیگر بعد از اتمام ماه ششم جنین می تواند خارج از شکم زنده بماند و قبل از این ماه خواهد مرد. خداوند متعال در بخشی از آیه ۱۵ سوره الاحقاف الله متعال می فرماید: {وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً} ترجمه: «و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است» و همچنین در بخشی از آیه ۱۴ سوره لقمان می فرماید: {حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلًیٰ وَهْنًا وَفِصْلُهُ فِي سِنِينَ} ترجمه: «و از شیر باز گرفتنش در دو سال است. با

شبهه: قرآن به اشتباهی دوره ی جنین در شکم مادر همراه با شیرخوارگی را ذکر کرده و این یکی از تناقضات قرآن است.

کمی تامل در این آیات می توان به این نکته علمی رسید که جنین برای این که بعد از تولد زنده بماند می بایست (حداقل شش ماه در شکم مادر بماند) و کمتر از این مدت اگر از شکم خارج شود خواهد مرد.^۲

۱. روانشناسی پزشکی لانگمن، ترجمه ی دکتر بهادری، ص ۵۷

۲. <https://goo.gl/°hqBLH>

بخش ششم: خلق آخر

با توجه به آیه ۱۴ سوره مؤمنون: {ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...} ترجمه: «پس او را آفرینش تازه‌ای بخشیده و پدیده دیگری خواهیم کرد». می‌توان آخرین «مرحله تکاملی» جنین را تحت عنوان «خلق آخر» نامگذاری کرد. این دوره از زندگی داخل رحمی جنین از [ماه سوم] شروع می‌شود و تا انتهای دوران بارداری ادامه می‌یابد. در این دوره ارگان جدیدی ساخته نمی‌شود، در جنین‌شناسی به این دوره «دوره جنینی» می‌گویند. طبرسی، مور، آلوسی و چندی دیگر از مفسرین معتقد هستند که منظور از «خَلْقًا آخَرَ» آفرینش دیگری است که با خلق مراحل قبل متفاوت است. که آن نیز «دمیده شدن روح الهی» در جنین است که شاید تفاوت آن در این است که در این دوره عضو جدیدی ساخته نمی‌شود و تنها بافت‌ها و اندام‌هایی که در مراحل قبل ساخته شده بودند بالغ می‌شوند.^۱

در ابتدای این دوره سر جنین بزرگ است و حدود نصف قد نشسته جنین است. همچنین چشم‌ها در طرفین کاسه سر واقع شده‌اند و از هم دورند. گوش‌ها در پایین‌تر از محل واقعی خود قرار دارند. بینی به صورت دو حفره جدا از هم است، حفره دهانی وسعت زیادی دارد و جنین به شدت قوس‌دار است، اما بزرگی سر به حدود یک چهارم طول جنین در حین تولد می‌رسد. چشم‌ها در جلوی کاسه سر واقع می‌شوند. گوش‌ها بالاتر می‌آیند و به محل واقعی خود می‌رسند، دو حفره بینی بهم می‌رسند و حفره دهانی کوچک و قوس جنینی کاهش می‌یابد. و اعضای تناسلی خارجی شروع به ظاهر شدن می‌کنند.

در این دوره در جنین مذکر بیضه‌ها و در جنین مؤنث تخمدان‌ها درون شکم و در طرفین مهره‌ها واقعند. کلیه‌ها درون لگن قرار دارند اما در انتهای این دوره بیضه‌ها به خارج شکم می‌روند و در کیسه بیضه مستقر می‌شوند تخمدان‌ها درون لگن جای می‌گیرند و کلیه‌ها از لگن خارج می‌شوند و به سمت بالا صعود می‌کنند. با کمی دقت در این بخش از مرحله تکامل می‌توان گفت که «عمل تعدیل» صورت گرفته است یعنی هر ارگانی مهاجرت کرده و به جایگاه اصلی خود رسیده است. خداوند متعال در آیه ۷ سوره انفطار می‌فرماید: {الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ}

ترجمه: «همان کس که تو را آفرید و [اندام] تو را درست کرد و [آنگاه] تو را سامان بخشید»، در اینجا می‌توان با کمی تامل بدین مهم دست یافت که خداوند متعال آخرین مرحله از دوران جنینی را مرحله تعدیل نامیده است.^۲



^۱ . طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن

^۲ . سوره ی حجر، آیه ی ۲۹،

پاسخ: آنتیست‌ها که از رویارویی آیات جنین‌شناسی قرآن با علوم روز عاجز ماندند، راهی جز روی آوردن به «اتهام کپی برداری» پیامبر اسلام از آیین و کتب پیشینیان نداشتند. اما اولا آیات قرآن نه تنها با هیچ کتب قبلی بطور کامل همخوانی ندارد و با آنان شباهتی ندارد در ثانی ما مخالفین را به آوردن مدارک و شواهد فرامی‌خوانیم و ثالثا اثبات اینکه نبی‌اکرم که خود امی (درس نخوانده) بود هیچ علمی نداشتند یا به هر حال آیا صحابه‌های نبی اکرم کتب قبلی را در دسترس داشته‌اند؟ رابعا آیا این کتب در آن زمان ترجمه شده است؟ خامسا آیا صحابه زبان دیگری را یاد گرفته‌اند؟ و در نهایت سادسا با استفاده از علوم نقلی این مهم را به اثبات برسانند.

شبهه: محمد چیزی جدید نیاورده و از دانشمندان یونان باستان جالینوس و ارسطو و ... استفاده کرده است با اندکی تغییرات

در نهایت بدون شک هیچ منبع و مدرکی را نمی‌بینیم جز شعار و تزویر، و شرمساری الحاد و زانو زدن مقابل این معجزه، تردیدی نیست که هیچ کسی نمی‌تواند این مهم را ثابت کند در هیچ کدام از کتب سیره و حدیث و منابع تاریخی چنین مبحثی نیامده. آیا به راستی اگر چنین چیزی می‌بود مشرکین مکه فوراً انگشت اتهام را به سوی نبی اکرم دراز نمی‌کردند و تاریخ نیز گواه این سخنان مشرکین نمی‌بود؟

چرا باید سخنان یک درس نخوانده (محمد صلی الله علیه و سلم) در تطبیق با علوم باشد که با این همه امکانات و تکنولوژی هیچ کدام از گفته‌های وی به تناقض نرسیده و ساینس نیز با سخنان او همراه و همگام می‌شود؟

اگر بدین حق با خواننده‌ی منصف]

علاوه بر اینکه از احترام و عزت و تکریم فراوان برخوردار است قبل از چشم‌گشودن به دنیا به علاوه، بر آن مرد و زنی که قصد دارند فرزندی را جهت ادامه‌ی نسل بشر به دنیا بیاورند لازم است که هر کدام از طرفین شخص صالحی را برای ازدواج برگزینند. همانطور که پیامبر اکرم می‌فرماید: «با زنان هم سطح خود ازدواج کنید و دختران خود را به شوهر هم سطح خودشان بدهید»^۱ و رابطه‌ی محکمی را بر اساس مودت و رحمت و مهربانی میان زوجین و فرزندان تحکیم بخشند و این پیوند نسبی ادامه داشته باشد. جنین در اسلام استحقاق «وصیت»، «وقف» و نیز «ارث» را دارد و حتماً به وی تعلق می‌گیرد و «نفقه‌ی جنین» بر عهده‌ی مادر است و پدر مکلف است که مخارج مادر جنین (خواه این مادر همسر وی باشد یا طلاق داده شده باشد) را بپردازد.^۲ و هر نوع سقط و از بین بردن جنین در اسلام ظلم در حق وی می‌باشد (مگر در شرایطی مضطر خاص با وجود ضرر به مادر و... باشد)، و شکی نیست که مادر جنین در صورت سقط بچه ضربه‌ی جبران‌ناپذیر روحی و روانی فراوانی را متحمل می‌شود و احتمال اینکه در سال‌های بعد در معرض خطر افسردگی و اضطراب قرار گیرد زیاد است.

جنین در نگاه اسلام

<http://www.apa.org/monitor/2012/06/miscarriage.aspx>

۱. ابن ماجه، ۶۳۳/۱، دارالقطنی ۲۹۹/۳، بیهقی، ۱۳۳/۷

۲. صالح، ص ۵۰، ارزقاء ج ۲، ص ۷۵

حال احترام و ارزش همین جنین را در نگاه مدعیان دروغین دموکراسی و حقوق بشر و آزادی و بنام خردگرایی معاصر بنگریم تا با انسانیت و مهربانی و اخلاق سکولاریزمی معاصرین بیشتر آشنا شویم، علاوه بر اینکه جنین مرده مثل ماهی در بازارهای چین کمونیستی ردیف شده اند و همیشه مورد استفاده قرار می‌گیرند شکی نیست. اما جالب آن است که (ریچارد داوکینز بیخدا) در حفظ ارزش و احترام جنین می‌گوید: «سقط کردن جنینی که به (سندروم داون) مبتلا هستند غیر اخلاقی نیست».

در سال ۱۹۷۵ بود که (آنتیست مشهور مارک‌دی‌ساد) نیز از سقط جنین به عنوان راهکاری برای «کنترل جمعیت» نام برد. بر اساس تحقیقات بارنا گروپ این آنتیست‌ها هستند که گرایش بیشتری به سقط جنین دارند.

(پیترسنگر فیلسوف معروف آنتیست) و استاد دانشگاه برینستون می‌گوید: «زندگی جنین با ارزش تر از زندگی حیوانات غیربشری نبوده و در سطحی مشابه از عقلانیت و آگاهی ذاتی و توان عاطفی نمی‌باشد».

(کارل مارکس) از مشهورترین مبلغین جماعات ضد دین نیز می‌گوید: «به وسیله‌ی سقط جنین می‌توان جامعه را تغییر داد». و ملحد دیگری بنام (جیمز لی) در توجیه پاکسازی و کشتن بشر چین می‌گوید: «جهان به انسان‌ها نیازی ندارد و نوزادان چندی آور هستند». (سیمون دوبوار فمنیست) بارهای بار سقط جنین کرده است؛ با وجود آن‌که هرگز ازدواج نکرده بود ولی با مردانی در ارتباط بود و بنا بر گفته‌ی خودش «ژان پل سارتر» مردی بوده که بیشترین ارتباط را با او داشته است.^۱

www.elitereaders.com/dead-fetuses-china/

<https://www.theguardian.com/science/2014/aug/21/richard-dawkins-immoral-not-to-abort-a-downs-syndrome-foetus>

<http://www.barna.org/barna-update/article/5-barna-update/58-practical-outcomes-replace-biblical-principles-as-the-moral-standard>

<https://www.lifesitenews.com/news/socialist-publication-we-can-change-the-world-through-abortion-and-gay-marr>

<http://www.epm.org/blog/2009/Jan/19/princeton-bioethics-professor-peter-singer-devalui>

<http://abcnews.go.com/US/gunman-enters-discovery-channel-headquarters-employees-evacuated/story?id=11525128>

[در میان زنانی که از سقط جنین جان سالم بدر می‌برند، ۵ میلیون نفر از عوارض طولانی مدت رنج می‌برند و سالانه ۶۸ هزار زن در اثر سقط جنین نا ایمن جان خود را از دست می‌دهند. و نزدیک به ۲۰ میلیون نیمی از این سقط جنین‌ها با روش های ناامن اتفاق می‌افتند. فقط در آمریکا سالیانه یک میلیون نوزاد سقط می‌شود. در همین بهشت زنان (غرب) است که سالانه ۴۲ میلیون زن [بخاطر بارداری‌های ناخواسته سقط جنین] را انتخاب می‌کنند و بر اساس سایت زیست فناوری آمریکا گزارش می‌دهد: «سقط جنین یکی از علل اصلی مرگ و میر در مادران باشد».]

این بود شرح مختصری از جنین‌شناسی در نگاه قرآن که اگر به دیده‌ی انصاف بدان بنگریم و وجدان آدمی را بیدار نگه داریم، بدون تردید هر انسان آزاده و صاحب خردی به اثبات حقایق این کتاب پی خواهد برد و سر تسلیم (در مقابل اشارات و شواهد بسیار زیاد و بی نظیر خالق کائنات به این مراحل و گفته‌های نبی اکرم) فرود خواهد آورد.

برخی با هزینه‌های چند صد میلیارد دلاری به دنبال کوچکترین شواهد برای اثبات جهان‌های موازی موهومی برخی نیز به دنبال فقط یک صدای عجیب و غریب در جهان و هزینه‌های فوق‌گزارف جهت پیدا کردن آدم فضایی‌ها و اینجا برخی نیز به دنبال یک بهانه‌ی ولو ضعیف و پوشالی و تمسخر آمیز بدون پایه جهت تخریب دین و قرآن به پشتیبانی میلیاردها دلار پول هنگفت، و چه بسیار است فرق بین این و آن، و برآستی چه جهالت‌هایی دارد ...

برآستی این همه نشانه و شواهد برای عاقلان کافی نیست؟

تعلیم کن تو را دسترس است

دل گفت مرا، علم لدنی هوس است

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است

گفتم الف، گفت دگر هیچ مگو

{وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا}. [الإسراء: ۷۰]

ترجمه: «ما آدمیزادگان را (با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست، و غیره) گرامی داشته ایم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های گوناگون) حمل کرده‌ایم، و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده‌ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم.»

کردستان

دانش پشاپادی

دی ۱۳۹۸